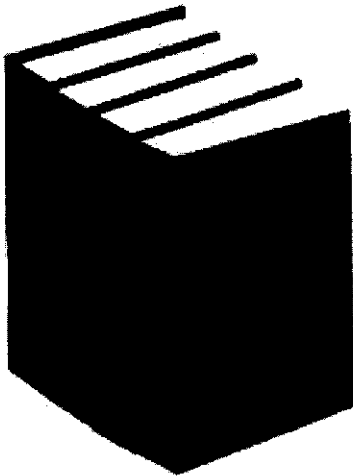


مقالات قرآنی در دایرة المعارف آكسفورد

• مهرداد عباسی / سید علی آقایی



اشاره

یکی از مهم‌ترین آثار مرجع در زمینه اسلام و فرهنگ اسلامی که در دهه اخیر به زبان انگلیسی تألیف یافته، دایرة المعارف آكسفورد است. هدف اصلی پدید آوردن‌گان این دایرة المعارف تبیین جایگاه و اهمیت اسلام در سیاست و فرهنگ و اقتصاد کشورهای اسلامی بوده است. قرآن نیز به عنوان کتاب مقدس مسلمانان و سرچشمه علم و فرهنگ در جوامع اسلامی که همواره نقشی تعیین کننده در حیات فردی و اجتماعی پیروان دین اسلام داشته و دارد، از جمله موضوعات مورد توجه در این دایرة المعارف است. در نوشتار حاضر، ضمن معرفی اجمالی دایرة المعارف آكسفورد، *The Oxford Encyclopedia of modern Islamic world*، گزارشی تفصیلی از مدخل‌های قرآنی آن آمده است. لازم به ذکر است این دایرة المعارف در سال ۱۳۷۵ جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی را دریافت نموده است و بنابر اطلاع ترجمه کامل این اثر انجام شده و جلد نخست آن به چاپ سپرده شده است.

معرفی دایرة المعارف آكسفورد

از اواخر دهه ۱۹۶۰ بسیاری از مسلمانان در کشورهای اسلامی، احیای مجدد اسلام را در زندگی فردی و اجتماعی خود تجربه کردند. واکنش در مقابل وابستگی فرهنگی و سیاسی به غرب و سکولاریزه شدن جامعه، حس غرور و افتخار به گذشته‌ای درخشان را در میان آنان زنده کرد که این امر به معنای بازگشت به اسلام به عنوان منبعی برای هدایت فردی و جایگزینی ایدئولوژیک برای دولت و جامعه بود. در این دوران، مطالعه در زمینه‌های دین و تاریخ و علوم اجتماعی گسترش یافت و مسلمانان به این نتیجه رسیدند که نوگرایی و اتکالی به دین لزوماً با هم ناسازگار نیستند و سکولاریزه شدن جامعه شرط لازم تغییر و تحول در حوزه‌های اقتصاد و سیاست نیست. وقایع رخ داده در این سالیان، این فکر را پدید آورد که مرجعی اساسی و قابل دسترس برای آگاهی از جریانات اخیر در جهان اسلام، مورد نیاز است. با وقوع انقلاب ایران در ۱۹۷۹، که نقطه عطفی در مطالعه اسلام و کشورهای

اسلامی بود و ضعف و کم‌اطلاعی غربیان رانست به درک اسلام در جوامع اسلامی به رخ آنان کشید، نیاز به چنین مرجعی و فقدان چنین تألیفی بیش از پیش احساس گردید. گفتنی است تألیفات پیشین در این زمینه، از جمله دایرة المعارف اسلام^۱ به دلیل پرداختن به سده‌های میانه اسلامی و گستردگی آن و تاریخ اسلام کمبریج^۲ به سبب تمرکز بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی و کهنگی آن، نمی‌توانست این خلأ را جبران نماید. دایرة المعارف جهان معاصر اسلام آكسفورد زیر نظر جان اسپوزیتو^۳ برای پاسخگویی به این نیاز طراحی و در ۱۹۹۵ منتشر شد. این دایرة المعارف چهار جلدی که تتمه‌ای بر ویرایش دوم دایرة المعارف اسلام به حساب می‌آید، دارای سه ویژگی است که آن را از دیگر آثار متمایز می‌سازد: ۱- این کتاب ناظر به دوران جدید، از پایان قرن هجدهم میلادی یعنی آغاز مواجهه‌های جهان اسلام با امپریالیسم و تکنولوژی غربی تا حال حاضر است؛ ۲- این اثر کاملاً به روش‌های علوم اجتماعی متکی



تخصصی‌شان، یاری کرده‌اند. همچنین کمیته‌ای از مشاوران از آمریکا، اروپا و کشورهای اسلامی به سرپرستی آلبرت حورانی^۴، استاد ممتاز دانشگاه آکسفورد، موضوعات و مؤلفان جدیدی را به سرویراستار معرفی کرده و گاه مقالاتی را جهت درج در دایرةالمعارف نگاشته‌اند. علاوه بر این، ۴۵۰ مؤلف از جامعه بین‌المللی محققان در امر طراحی و تألیف مقالات با این مجموعه همکاری داشته‌اند. این مؤلفان که متخصصانی از اروپا، آفریقا، خاورمیانه، جنوب و جنوب شرقی آسیا اعم از مسلمان و غیرمسلمان‌اند، نه تنها در رشته‌های تخصصی خود نظیر تاریخ و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و اقتصاد و علوم سیاسی صاحب‌نظر و دارای دیدگاه‌های متفاوت‌اند، بلکه به سنت‌های دینی و ملی مختلفی تعلق دارند که به غنای این دایرةالمعارف و ویژگی تطبیقی بودن آن افزوده است.

هدف دست‌اندرکاران این دایرةالمعارف آن بوده که نه تنها مرجعی مقدماتی را برای محققان و دانشجویان دین، تاریخ و علوم اجتماعی فراهم آورند، بلکه اثری مفید در اختیار خوانندگانی قرار می‌دهند که به دنبال فهم زمینه‌های وقوع حوادث اخیرند. همچنین از نگاه پدیدآورندگان، این اثر می‌تواند مورد استفاده محیط‌های دانشگاهی در مقطع لیسانس و بالاتر و مخاطبان عام‌تری نظیر تحلیل‌گران و مشاوران سیاسی و روزنامه‌نگاران و حتی معلمان دبیرستان‌ها که به مسائل جهان اسلام در عصر جدید از جمله مؤسسات و جنبش‌ها و شخصیت‌های آن علاقه‌مندند، قرار بگیرد.

نخستین تلاش‌ها برای آغاز پروژه تألیف این دایرةالمعارف، جلساتی بود که با حضور سرویراستار و هیئت ویراستاران در دفتر دانشگاه آکسفورد در نیویورک تشکیل شد که با مباحثات فراوانی از جمله بحث بر سر تعیین عنوان برای این مجموعه همراه بود. سرانجام این پروژه، با کوشش‌های فراوان دست‌اندرکاران به ویژه هیئت ویراستاران، با انتشار مجموعه‌ای چهارجلدی توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد با نام *The Oxford Encyclopedia of Modern Islamic World* (دایرةالمعارف جهان معاصر اسلام آکسفورد) در سال ۱۹۹۵ به پایان رسید.^۵

مقالات قرآنی

مهم‌ترین مقالات دایرةالمعارف آکسفورد که به طور مستقل به موضوع قرآن و مباحث پیرامون آن پرداخته‌اند، مقالات «قرآن»، «تفسیر» و «قرائت قرآن» است. همچنین می‌توان زندگینامه برخی

است و در مقالات آن علمی چون جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و اقتصاد و علوم سیاسی با دین و تاریخ و ادبیات ترکیب شده‌اند تا واقعیت‌های تغییر یافته در زندگی مسلمانان را نشان دهد؛ و ۳- این دایرةالمعارف رویکردی مبنایی به واقعیت‌های عملی جهان اسلام دارد و با اتکا بر مطالعات تطبیقی، گزارشی از عقاید و اعمال و علایق پیچیده و متنوع مسلمانان را عرضه می‌کند. این مجموعه شامل ۷۵۰ مقاله است که به منظور جامعیت در تمامی جنبه‌های حیات اجتماعی و دینی مسلمانان، در پنج مقوله تنظیم شده است: اندیشه و اعمال اسلامی؛ اسلام و سیاست؛ جوامع و اجتماعات مسلمانان؛ اسلام و اجتماع؛ و مطالعات اسلامی.

حجم مقالات از حدود ده هزار کلمه به ویژه در مقالات ترکیبی نظیر «حقوق بشر» و «حکومت اسلامی» تا حدود پانصد کلمه در مقالات مختصر متغیر است. در مقالات این دایرةالمعارف مطالب متنوعی از جمله تاریخچه و نظریات و آموزه‌ها و مؤسسات و مکاتب فکری و مسائل مورد اختلاف مرتبط با موضوع هر مدخل آمده و در برخی مدخل‌ها نیز جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، اقلیت‌های اسلامی، اسلام در غرب و اعمال و رفتارهای دینی مسلمانان بررسی شده است. به علاوه مدخل‌های متعددی به شرح حال و آرا و آثار شخصیت‌های مؤثر در کشورهای اسلامی اختصاص یافته است. در نگارش مقالات تا حد امکان سعی بر آن بوده که تطبیقی بودن پژوهش‌ها در کنار سادگی و غیرتخصصی بودن زبان مقالات رعایت شود. همچنین در انتهای هر مقاله کتاب‌شناسی مختصر و گزیده‌ای درباره موضوع مقاله آمده است.

یکی از مزایای این دایرةالمعارف وجود فهرستی جامع و نسبتاً مفصل در پایان جلد چهارم آن است در این فهرست تمامی موضوعات مورد توجه در مجموعه به تفکیک آمده و در ذیل هر موضوع، همه مدخل‌های اصلی و فرعی، مرتبط با آن ذکر شده است که دست‌کم دارای دو فایده است: اولاً از این طریق می‌توان از موضوعاتی که خود مدخل نشده‌اند، مطلع شد و ثانیاً می‌توان از تمامی مدخل‌های مرتبط با یک موضوع آگاهی یافت. علاوه بر این، در انتهای جلد چهارم، فهرست الفبایی مؤلفان و رتبه علمی آنان به همراه نمایه‌ای عمومی آمده است.

سرویراستاری این دایرةالمعارف بر عهده جان اسپوزیتو، استاد دین و امور بین‌الملل دانشگاه جرج تاون، بوده و هیئت ویراستاران متشکل از هفت استاد از دانشگاه‌های مختلف به ویژه در آمریکا، وی را در تمامی مراحل از جمله طراحی مدخل‌های عمومی و تخصصی، پیشنهاد و معرفی مؤلف جهت نگارش مقالات و بازبینی و ویرایش مقالات در حوزه‌های

| موضوع | عنوان انگلیسی | مؤلف | نشانی | حجم (به ستون) |
|--------------|--------------------------------|---------------------------------------|----------------|------------------|
| قرآن | QUR'AN | محمد ایوب، وینسنت کرنل، مستنصر میر | ج ۳، ص ۳۸۵-۳۹۶ | ۲۳ |
| تفسیر | TAFSIR | مستنصر میر | ج ۴، ص ۱۶۹-۱۷۶ | ۱۳ |
| قرائت قرآن | QUR'ANIC RECITATION | فردریک ماتیسون دنی | ج ۳، ص ۳۹۷-۴۰۰ | ۷ |
| زنگنه مها | ARKOUN, MOHAMAD | ندوه مالتی - داگلاس | ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰ | ۲ |
| | 'ABD AL-RAHMAN, A'ISHAH | والری جی. هافمن لد | ج ۱، ص ۴-۵ | ۳ |
| | KHALAFALLAH, MUHAMMAD AHMAD | ویلیام ای. شپارد | ج ۴، ص ۴۱۱-۴۱۲ | ۲ |
| | TALEQANI, MAHMUD | ای. ای. شهابی | ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۲ | ۳ |
| | TABATABA'I, MUHAMMAD HUSAYN | سیدحسین نصر | ج ۴، ص ۱۶۱-۱۶۲ | ۳ |
| | RAHMAN, FAZLUR | تامارا سون | ج ۳، ص ۴۰۸ | ۲ |

نکات کلی درباره آنها ضروری می نماید:

۱- ساختار کلی مقالات، بسیار منسجم و به دور از اغماض و پیچیدگی است و جهت طرح منظم مباحث از عناوین فرعی به خوبی بهره گرفته شده است. به طوری که پس از مطالعه هر مقاله، طبقه بندی روشنی از موضوع در ذهن خواننده شکل می گیرد. از آنجا که بخش عمده ای از مخاطبان این دایرة المعارف را افراد غیرمتخصص در این حوزه ها تشکیل می دهند، در مقالات کمتر به مطالب تخصصی و جزئیات مرتبط با موضوع پرداخته شده و از بسط و تفصیل اجتناب شده است تا خواننده نا آشنا در پیچ و خم

شخصیت های برجسته قرآنی را به این مجموعه افزود. هر چند ممکن است با مراجعه به فهرست پایانی این مجموعه مطالبی دیگر و مقالاتی مرتبط با قرآن و علوم قرآنی یافت، قصد نگارندگان، معرفی مقالات مستقل در این زمینه بوده است. در این بخش، نخست چند نکته عمومی درباره مقالات ذکر شده و در ادامه گزارش تفصیلی آنها به ترتیب اهمیت آمده است. مشخصات کلی این مقالات در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است:

نگاهی کلی به مقالات

پیش از ارائه گزارش تفصیلی از محتوای مقالات، توضیح برخی

مطالب جانبی سردرگم نشود.

چشم می خورد نیز در مدخل تفسیر، پس از ذکر کلیاتی درباره تفسیر و تاریخچه آن، به رویکردهای جدید تفسیری توجه شده که عمدتاً در مواجهه با مدرنیته و پاسخگویی به شبهات و سوالات ناشی از آن در جامعه اسلامی شکل گرفته است.

همین رویکرد در مقالات شرح حال شخصیت های برجسته اسلامی در دوران جدید نمایان است. تا جایی که گاه جزئیات فعالیت های سیاسی و اجتماعی فرد به تصویر کشیده شده تا خواننده با کنار هم گذاشتن این فعالیت ها، به تحلیلی منطقی از موضعگیری ها و عملکردهای او دست یابد.

۴- از آنجا که هدف اصلی این مجموعه علمی ارائه گزارشی دقیق و همه جانبه از اوضاع و شرایط موجود در جوامع اسلامی بوده است مقالات کمتر صبغه انتقادی و تحلیلی به خود گرفته اند. به همین منظور مؤلفان مقالات به گونه ای گزینش شده اند که ارتباط نزدیکی با جهان اسلام و فرهنگ اسلامی داشته باشند. چنان که بسیاری از ایشان مسلمان بوده یا پژوهشی پیرامون موضوع یا شخصیتی اسلامی انجام داده اند. این امر با دقت در بخش کتاب شناسی مقالات روشن تر می شود. چرا که معمولاً یک یا چند منبع معرفی شده در این بخش به قلم مؤلف مقاله است.

۵- از جمله مواردی که در این دایرةالمعارف بسیار خود می نماید، چاپ آراسته آن است. انتخاب قلم های شکیل و صفحه آرای مناسب، جذابیت آن را دو چندان کرده است. این مطلب در مقایسه با دایرةالمعارف های مشابه نظیر دایرةالمعارف اسلام (EI) یا دایرةالمعارف قرآن (EQ) بیشتر آشکار می شود؛ گرچه دایرةالمعارف های مذکور از نظر محتوا و حوزه مفهومی، گسترده تر و غنی تر از این دایرةالمعارف اند. البته غرض، مقایسه محتوایی این دایرةالمعارف ها با هم نیست ولی از این نکته نباید غافل ماند که امروزه کیفیت چاپ، نقش به سزایی در تأثیرگذاری کتاب بر مخاطبان دارد که دست اندرکاران این دایرةالمعارف به این نکته توجه داشته اند.

ب) گزارش تفصیلی مقالات

۱- قرآن

مدخل «قرآن» در این دایرةالمعارف مشتمل بر سه مقاله مستقل است:

الف- تاریخ قرآن

ب- قرآن به مثابه کتاب مقدس

ج- قرآن در اندیشه و عمل مسلمانان

در مقایسه نخست، محمود ایوب^۲ تاریخچه مختصری از خاستگاه، تدوین و ساختار قرآن را شناسانده است. وینست گرنل^۴ در دومین مقاله، قرآن را به عنوان پیامی از جانب خدا بررسی کرده و تفاسیر جدید قرآن را مطرح نظر قرار داده است. در مقاله سوم، مستنصر میر^۵ به بیان نقش

همین نظم و نسق در مقالات زندگینامه ای (بیوگرافی) نیز دیده می شود. بدین ترتیب که در هر مقاله، ابتدا شناسه ای کلی از فرد که بیانگر جایگاه سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی او در دنیای اسلام است، ارائه می شود. سپس به تفصیل، شرح حال وی از تولد تا درگذشت - چنان که از دنیا رفته باشد - ذکر می شود. در این میان، مواردی چون زمان و مکان تولد، معرفی خانواده و وضع خانوادگی، تحصیلات ابتدایی و دانشگاهی، سفرها، فعالیت های عمده علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز چالش ها و تقابل های اندیشه و عملکرد وی با هم عصران خویش مورد توجه قرار می گیرد. در بخش پایانی این مقالات، تحلیلی کلی از زندگی فرد، شاخص فکری و میراث به جای مانده از وی ارائه می شود.

۲- در انتهای هر مقاله کتاب شناسی مختصر و مفیدی از موضوع آمده است. آنچه در این بخش جلب توجه می نماید، ارجاع بسیار کم به منابع اسلامی و استفاده فراوان از منابع و پژوهش های غربی است. حتی در مواردی هم که به منابع اسلامی ارجاع شده، ترجمه انگلیسی آنها در کتاب شناسی آمده است. هر چند مراجع مطرح شده در بخش کتاب شناسی لزوماً همه منابع مورد استفاده نگارنده نیست، تا حدودی گویای نوع و مشخصه منابع مؤلف است. از این روی یکی از اشکالات وارد بر این مقالات عدم بهره گیری کافی از منابع اسلامی - اعم از سنی و شیعی - است. البته ممکن است علت این امر را قصد مؤلفان بر سهولت دسترسی مخاطبان به منابع برشمرد. چه معمولاً منابع اسلامی به زبان عربی نگاشته شده و برای خوانندگان عمومی این گونه ارجاعات قابل استفاده نیست. نقدی دیگر، عدم ارجاع به منابع مورد استفاده، در متن مقالات است، گرچه می توان سعی مؤلفان بر ساده نویسی و اختصار در نگارش را عاملی برای این امر به شمار آورد.

نکته قابل توجه در بخش کتاب شناسی، توضیحات مختصر برخی مؤلفان پس از هر منبع است که معرفی چکیده آن منبع محسوب می شود و برای خوانندگانی که قصد مطالعه کامل تر در موضوع داشته باشند، بسیار راهگشاست. همچنین در کتاب شناسی مقالات زندگینامه، معمولاً کتب و مقالات در دو دسته طبقه بندی می شوند؛ دسته اول کتاب ها و مقالاتی است که خود آن شخصیت تألیف کرده و دسته دیگر مراجعی است که به تحلیل زندگی، اندیشه و آثار او می پردازند.

۳- در نگارش مقاله های این دایرةالمعارف رویکرد اصلی، بیان شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دنیای اسلام در دوره جدید بوده است؛ از این رو مؤلفان، از ذکر مباحث مرتبط با این موضوعات حتی الامکان فروگذار نکرده و در بعضی موارد به شرح و تفصیل و حتی تحلیل آنها پرداخته اند.

به طور مثال در ذیل مدخل قرآنی، عناوین فرعی چون تفاسیر جدید، قرآن و مدرنیسم و قرآن در اندیشه و عمل مسلمانان با شرح و تفصیل به



محوری و اساسی قرآن در سلوک مسلمانان پرداخته است.

رسیده است.

تاریخ قرآن

ساختار و تاریخ متن: در این بخش، تقسیمات قرآن (سوره و آیه)، ترتیب سوره‌ها و تقسیم‌بندی آنها به مکی و مدنی آمده است و گفته شده که دانشمندان غربی، بر مبنای برخی شواهد درون متنی قرآن نظیر اسلوب و تعبیر و موضوعات، دوران مکه را به سه دوره ابتدایی و میانی و پایانی تقسیم کرده‌اند. البته با وجود چنین تلاش‌هایی، دستیابی به تاریخ‌گذاری همه جانبه برای قرآن، همچنان غیرممکن می‌نماید، زیرا خود متن چارچوب قابل اطمینانی برای این منظور در اختیار نمی‌گذارد.

دو شاخه از علوم قرآن، اسباب نزول و ناسخ و منسوخ، که به طور مستقیم با بحث تاریخ‌گذاری قرآن مرتبط‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. زیرا در قرآن، اشارات متعددی به حوادث و رویدادهای زندگی پیامبر و حیات جامعه اسلامی یافت می‌شود. به نظر مؤلف این دو علم در فقه و کلام نیز اهمیت فراوانی داشته‌اند و چون فقه و کلام به شدت تحت تأثیر روابط سیاسی و فرقه‌ای مسلمانان بوده بنابراین مطالعات و گزارش‌های مربوط به وقایع‌نگاری قرآن نیز عمیقاً از شرایط سیاسی و فرقه‌ای متأثر بوده است.

گزیده کتاب‌شناسی

- ریچارد بل، درآمدی بر قرآن بل، بازبینی شده موتگمری وات، ادینبورگ ۱۹۷۰.
- جان برتون، تدوین قرآن، کمبریج ۱۹۷۷.
- ایگناتس گلدتسیهر، روش‌های تفسیر اسلامی (۱۹۲۰)، لیدن ۱۹۷۰.
- ارتور جفری (ویراستار)، موادی برای تاریخ متن قرآن، لیدن ۱۹۳۷.
- ابوالقاسم خویی، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت ۱۹۷۵.
- تودور نولدکه، تاریخ قرآن (۱۸۶۰)؛ با بازبینی و اضافات فریدریش شوالی، ۲ جلد، لیپزیک ۱۹۰۹؛ با بازبینی و اضافات گوتهلر برگشترو اتو برتسل، ۳ جلد، لیپزیک ۱۹۰۵-۱۹۳۸؛ با ویرایش مجدد، هیلدشیم ۱۹۶۴.
- لیبیب سعید، قرآن تلاوت شده (ترجمه انگلیسی)، ترجمه برنارد ویس و دیگران، پرینستون ۱۹۷۵.
- جان ونسبرو، مطالعات قرآنی، آکسفورد ۱۹۷۷.
- آلفورد ولیچ، «قرآن»، دایرةالمعارف اسلام، ویرایش جدید، ج ۵، ص ۴۰۰-۴۳۲، لیدن ۱۹۸۶.

قرآن به مثابه کتاب مقدس

در این مقاله، ابتدا واژه قرآن ریشه‌شناسی شده و ارتباط آن با واژه سریانی «قریانا» و واژه عربی «مقرء» و احتمال اشتقاق آن از مصادر عربی

در ابتدای مقاله، تقابل بین باور مسلمانان نسبت به قرآن و مباحث مرتبط با تاریخ قرآن تبیین شده است. به تعبیر مؤلف با اینکه مسلمانان قائل به وجودی ماورایی و ازلی برای قرآن هستند و آن را فراتر از محدودیت‌های زمان و مکان می‌دانند، با وجود این قرآن کتابی است که شکل‌گیری آن به طور کامل با زندگی و تاریخ جامعه‌ای زمینی پیوند خورده است. از یک سو جامعه اسلامی، به سبب شرایط و مقتضیات و پرسش‌های پدیدآمده در آن، در شکل‌گیری آیات قرآن مؤثر بوده و از دیگر سو قرآن در شکل‌دهی جامعه اسلامی نقشی اساسی داشته و زیربنای ایمان و اخلاق بوده است.

پس از این مقدمه برخی از موضوعات مرتبط با تاریخ قرآن به طور خلاصه طرح شده است:

وحی: مؤلف با اشاره به اعتقاد مسلمان به وحیانی بودن قرآن، به ماجرای آغاز وحی و نخستین آیات نازل شده بر پیامبر و نیز دوران فترت وحی پرداخته است. وی با یادآوری اینکه نزول وحی، از پایان دوره فترت تا رحلت پیامبریی وقفه ادامه داشت، این نکته مهم را متذکر شده است که تاریخ‌شناسی قرآن با تاریخ حیات (سیره) پیامبر گره خورده است.

قرآن و پیامبر: در این بخش، گزارش‌های منابع روایی و تاریخی در باب کیفیت وحی بر پیامبر آمده و در ادامه از مصاحف صحابه و همسران پیامبر سخن گفته شده که هر یک مصحف خود را در نمازها و عباداتشان استفاده می‌کردند. نکته مورد توجه در این بخش آن بوده که مصاحف نخستین در تعداد و ترتیب سوره‌ها و قرائت برخی آیات و کلمات با یکدیگر اختلاف داشتند. ضمن اینکه گسترش اسلام به خارج جزیره العرب نیز باعث تنوع بیشتر قرائات گردید و از این رو ضرورت تدوین مصحفی رسمی از قرآن خیلی زودی احساس شد.

تدوین قرآن: به نظر مؤلف تبدیل قرآن به یک مصحف واحد به شکل کنونی آن فرایندی طولانی را طی کرده است. مراحل نخستین آن در پوشش مجموعه‌ای از مقتضیات و ضرورت‌های سیاسی و فقهی و کلامی بود، به گونه‌ای که هر یک از خلفای چهارگانه سهمی در زمینه‌سازی و پیشبرد آن داشتند، اگرچه مورخان و محدثان بر آن‌اند که مصحف رسمی زیر نظر عثمان تهیه شد. به گفته وی، عملیات حذف مصاحف دیگر به تدریج و نه به طور کامل صورت گرفت و از این رو بسیاری از اختلافات در قرائات رسمی نیز باقی ماند تا اینکه در قرن سوم رسم الخط مصحف عثمانی تثبیت شد و قرائات محدود به هفت قرائت (قرائات سبعة) گردید.

در پایان مؤلف به این نکته اشاره کرده که امروزه قرائت رایج در بخش عمده‌ای از جهان اسلام، قرائت حفص از عاصم است، که مسبب آن، احتمالاً این بوده که قرآن معیار در مصر در ۱۹۲۴ م بر مبنای آن به چاپ



است. به تعبیر مؤلف کاربرد عام واژه انسان در قرآن، نشان می‌دهد که مردان و زنان در مواردی که قرآن مشخص کرده، از جایگاه یکسانی برخوردارند. همچنین عهدالله در قرآن وسیله تمیز منافقان و مشرکان از مؤمنان است. افراد صادق در عهد با خدا به مقام خلیفه‌اللهی می‌رسند و امت واحده یا سلمه را تشکیل می‌دهند که نمونه آن در مدینه در صدر اسلام به وقوع پیوست.

قرآن و تورات و انجیل: مؤلف در ابتدای این بخش به نکته مهمی در باب داستان‌های پیامبران و اقوام گذشته در قرآن و کتاب مقدس اشاره کرده است. به گفته وی، این دسته از مضامین قرآن بیش از آنکه از نظر تاریخی و ترتیب وقایع در ارتباط باشند، از حیث موضوع مرتبط‌اند. به همین دلیل آنان که با الگوهای یهودی و مسیحی به قرآن می‌نگرند، دچار سردرگمی می‌شوند، چرا که خود را مواجه با مجموعه پراکنده و نامنسجمی از گزارش‌های تورات و انجیل و ملحقات آن می‌بینند و چه بسا از ادامه مطالعه آن منصرف شوند. اما باید دانست هدف قرآن از یادکرد پیامبران توراتی و انجیلی رشد آگاهی مسلمانان است نه پرداختن به جزئیات زندگی یک فرد یا یک موضوع.

در ادامه این بخش، سخن از آن است که با وجود حمایت قرآن از تجزیه و تحلیل متن کتاب مقدس (مانده: ۴۷-۵۱)، از اواخر قرن دوم مطالعه تطبیقی وحی دشوارتر شد تا اینکه فهمی صحیح از قرآن امکان پذیر گردید. تأکید شافعی (م ۲۰۴) بر اینکه قرآن منبع اصلی فقه اسلامی است، به این معنا بود که آیات قرآن موارد مشابه در تورات عبری و انجیل مسیحی را نسخ کرده است. با گذشت چند قرن و بسط این رأی، از زمان باقلانی به بعد این نظریه رواج یافت که قرآن به طور کلی چیزی متفاوت از همه وحی‌های قبلی است. در انتهای این بخش مؤلف، مسلمانان معاصر را مورد انتقاد قرار داده که همچنان جدل‌های کهن در برابر یهودیت و مسیحیت را که در قرآن و کتب کلامی قدیم موجود است، ادامه می‌دهند و به ندرت مفسر مسلمانی یافت می‌شود که بارهایی از تأثیر سنت به مطالعه جدی یهودیت و مسیحیت پس از اصلاح‌گری بپردازد.

ترجمه‌ها: در این بخش از فتوای ابوحنیفه مبنی بر جواز قرائت فاتحه به زبان فارسی و مخالفت فقهای دیگر با وی در قرن دوم تا فتوای مشهور محمد رشیدرضا درباره ترجمه قرآن در عصر حاضر سخن گفته شده است. مؤلف از سه ترجمه به عنوان مهم‌ترین ترجمه‌های قرآن در دوره معاصر نام برده است: ترجمه عبدالله یوسف علی به انگلیسی، ترجمه ابوالاعلی مودودی به اردو و ترجمه حکما به اندونزیایی. به نظر وی این ترجمه‌ها به دو هدف انجام شده است: یکی زمینه‌سازی برای تبلیغ و اصلاح اسلامی و دیگری خنثی کردن اثر ترجمه‌های مبلغان مسیحی و مستشرقان که برای اغراض استعماری بوده است. ترجمه عبدالله یوسف علی امروزه رایج‌ترین ترجمه انگلیسی قرآن است. اما تفهیم القرآن مودودی که تا حدودی شبیه ترجمه یوسف علی است، کتابی تلویحاً سیاسی به حساب

«قرن» و «قرء» طرح شده است. در ادامه با استناد به اصطلاح «القرآن الکریم»، قرآن کتابی ایمانی معرفی شده که همین موجب در نظر گرفتن فروضی تاریخی و فراتاریخی درباره آن خواهد شد. مؤلف پس از بیان این مقدمه، چنین آورده است: «بنابراین اهمیت و جایگاه قرآن در نگاه مسلمانان مؤمن با غیر مسلمانان یا مسلمانان سکولار به کلی متفاوت است. از نگاه گروه نخست، تک‌تک کلمات قرآن کلام خداوند است و فهم و تفسیر آنها صرفاً با استفاده از نقد ادبی یا لغت‌شناسی تخطی از وحی و آسیب‌رساندن به آن است، از این رو بسیاری از محققان غربی، از تأمل و تعمق در خاستگاه‌های قرآن یا نگاه تاریخی به آن دست کشیده‌اند و به پژوهش در معانی مسلم باقی‌مانده در ترکیبی از زمینه‌های ادبی و فرهنگی و تاریخی، روی آورده‌اند.»

در ادامه تفاوت قرآن با کتاب مقدس مسیحیان از این نظر که عین کلام خداست، ذکر شده و از توجه و اهتمام مسلمانان به قرآن در مراسم و مناسک و همچنین هنرهای دستی و تزئینی سخن به میان آمده است. ساختار: در این بخش، از تقسیم قرآن به سوره‌ها و آیه‌ها سخن گفته شده و تفاوت مفهوم سوره و آیه در قرآن با Chapter و Verse در کتاب مقدس بررسی شده است. سپس در بحث از نام‌های سوره‌ها و ارتباط آنها با محتوای سوره‌ها، به این نکته اشاره شده که در موارد متعددی نام یک سوره در دوره‌های مختلف اسلامی تغییر یافته و - علی‌رغم چاپ روزافزون نسخه‌های معیار از متن قرآن - حتی تا به امروز ادامه داشته است، چنان که سوره هفدهم قرآن در پاکستان و عربستان، بنی اسرائیل و در مصر و ایران، اسراء نامیده می‌شود.

در ادامه، مؤلف معنای واژه «آیه» را به دقت بررسی کرده و با استناد به کاربرد آن در قرآن و معنایابی در فرهنگ‌های لغت، مترادف‌آن را «علامت» دانسته که در زبان انگلیسی به Verse ترجمه می‌شود. بر این اساس، وی هر آیه قرآن را در معنای سمبولیک آن علامتی برای بیداری و تدبیر بشر برای دریافتن وجود خدا بر شمرده و همچنین جهان طبیعت را همانند کتابی دانسته که مؤمنان در کنار زبان عربی قرآن، باید زبان آن را نیز بیاموزند.

خداشناسی و انسان‌شناسی قرآن: خداوند در قرآن به عنوان حقیقتی مجرد و مطلق ماورای پدیده‌ها و خارج از محدوده تصورات بشر معرفی شده است. در کنار توصیف کاملاً یکتا گرایانه از خداوند، نگاهی وحدت و جودی نیز در قرآن یافت می‌شود. توحید که پیام اساسی قرآن است، بین این دو قطب قرار دارد. از نگاه مؤلف، گفتمان قرآنی بین تعبیری ناظر بر تنزیه و تشبیه و انتزاعی و عینی بودن در نوسان است. «اسماء حسنی» بحث‌هایی را در میان متفکران اسلامی ایجاد کرد که در نتیجه آن توحید مفهوم‌سازی شد.

موجودی که می‌تواند اسما و صفات خداوند را به فعلیت برساند، انسان

شیعی موافق است.

قرآن و مدرنیسم: مؤلف معتقد است در سالیان اخیر، قرآن به سنگ محکی برای مباحثات و گفت‌وگوها و معیاری برای دینداری تبدیل شده است، چراکه در جدل‌های دوره جدید، بسیاری از محققان، قرآن را از منظر ایدئولوژیک بررسی می‌کنند. یکی از بحث‌های مطرح در این زمینه، مسئله به قدرت رسیدن زنان مسلمان است که اخیراً در کتاب قرآن و زن نوشته آمنه ودود محسن مورد پژوهش قرار گرفته است. این کتاب نخستین بار در ۱۹۹۲ در مالزی چاپ شد و موجب ظهور جنبش «خواهران اسلامی» در این کشور شد. ودود محسن آمریکایی که در آرای خود و ام‌دار پروفیسور توشیهیکوایزوتسو و پروفیسور فضل الرحمان است، قائل به تفاوت بین متن شکل گرفته قرآن در محیط فرهنگی و تاریخی از یک سو و فرامتنی با جهان بینی متساهل و عام‌تر از دیگر سوسست. وی در این کتاب به این نتیجه می‌رسد که قرآن تنها بر تفاوت‌های جنسی ناشی از بیولوژی دست می‌گذارد و به نقش‌های اصلی مردان و زنان در اجتماع کاری ندارد. این محقق با استدلال به تساوی زن و مرد در قیامت و با استفاده از تحلیلی معناشناسانه از مباحث فقهی مرتبط با زن و خانواده در قرآن، تأکید قرآن را بر برابری زن و مرد نشان داده است.

پژوهش دیگری که در این بخش معرفی شده، الرسالة الثانية من الاسلام نوشته محمود محمد طه (م ۱۹۸۵) اهل سودان است. وی با تقسیم پیروان پیامبر به مسلم و مؤمن و ارائه تعاریفی برای آنها، اسلام شریعت محور مدینه را با شرایط اجتماعی و فکری دوران مدرن ناسازگار دانسته است. از نگاه وی مسلمانان و همه آدمیان آمادگی دریافت پیام جهانی اسلام را که در وحی مکی متجلی شده، دارند و اسلام مکه است که باید موضوع مطالعه عمیق‌تر قرار گیرد. وی که معتقد است هیچ چیز نباید با سنت محدود شود.

به نظر مؤلف مقاله، نظریات طه گرچه تند و بدعت‌آمیز است، بازتابی از مباحث تفسیری میان دانشمندان اسلامی از آغاز تا کنون است؛ چنان که مسئله امکان استفاده از سنت نبوی در شرایط نوین همواره مهم بوده است.

در پایان مقاله، مؤلف نکته مهمی را درباره رویکردهای گوناگون در تاریخ طولانی تفسیر قرآن متذکر شده است. از دیدگاه وی تفسیر عبده و قطب چندان تفاوتی با رهیافت طبری به تفسیر نداشته و حتی ودود محسن نیز - گرچه ناخواسته - آرای مفسرانی صوفی چون ابن عربی و قشیری را بازگو کرده است. بنابراین می‌توان گفت بسیاری از تفاسیر جدید یادآور روش‌های قدیمی است که این امر نشان دهنده اقتدار سنت در اسلام و عدم استفاده از منابع برون اسلامی در تفسیر قرآن است. در نهایت مؤلف می‌نویسد: «با همه تلاش‌های انجام شده در این زمینه، آینده نشان خواهد داد که آیا مسلمانان به رهیافتی تطبیقی و نظام‌مند برای تجزیه و تحلیل قرآن دست خواهند یافت.»

می‌آید که در عملکرد جماعت اسلامی پاکستان اثرگذار بوده است. از دید این جماعت که مودودی آن را در ۱۹۴۱ بنا نهاد، قرآن کتابی است که موجب ایجاد انگیزه‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه می‌گردد و باعث از میان رفتن تقسیمات فرقه‌ای و فقهی شده، وحدت اسلامی را به ارمغان می‌آورد.

در پایان این بخش مؤلف از وضع ترجمه قرآن در جنوب شرقی آسیا سخن گفته و به معروف‌ترین آنها یعنی تفسیر الازهر نوشته حجی عبدالملک کریم امرالله مشهور به حکما (م ۱۹۸۱) که مربوط به فرقه محمدیه است و در میان مالزیایی زبانان به خوبی جا باز کرده، اشاره کرده است.

تفاسیر جدید: تفسیر جدید قرآن در جهان عرب با نوشته‌های محمد عبده، پایه گذار جنبش سلفیه و رئیس دانشگاه الازهر آغاز شد. مؤلف با برشمردن آثار تفسیری عبده، وی را احیاگر سنت تفسیر به رأی دانسته و او را با مفسران معتزلی قیاس کرده است. عبده به پیروی از غزالی معتقد بود حتی متشابهات قرآن را باید با استفاده از اندیشه جدید تحلیل کرد. وی با استناد به آیات قرآن می‌گفت چنانچه مسلمانان از زاویه علم جدید به اسلام بنگرند، باید به کلی در جامعه خود اصلاح ایجاد کنند.

پس از عبده و محمد رشید رضا و تفسیرشان المنار، نوبت به سید قطب می‌رسد که قسمت اعظم تفسیر خود، فی ظلال القرآن را در زندان نوشت. وی شاگرد حسن البنا، از شاگردان رشید رضا بود. سید قطب با وجود شباهت‌هایی با عبده در تفسیر، به خلاف وی که حکومت انگلیسی و یوزتیبویسم علمی را عوامل پیشرفت می‌دانست، به احیای نظام اسلامی بر اساس ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی اسلام معتقد بود و بر ضد استعمار و امپریالیسم مبارزه می‌کرد. مؤلف مقاله مفهوم «جاهلیت جدید» را که سید قطب در انتقاد به بی‌اخلاقی و فساد سیاسی غرب طرح کرده بود، تبیین کرده است.

در پایان این بخش مؤلف نظریه وحدت موضوعی و مضمونی سوره‌های قرآن را به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تفسیر در دوران جدید برشمرده است. از دید وی با آنکه در سده‌های میانی، مفسرانی چون قشیری، ابوبکر ابن عربی و زرکشی به این مسئله پرداخته بودند، این موضوع قرن‌ها مسکوت بود تا اینکه انتقادات محققان غربی به نظم و انسجام قرآن موجب شد قرآن پژوهان مسلمان مطالبی در دفاع از ساختار موجود قرآن و وجود وحدت مضمونی سوره‌ها بنویسند. مؤلف، محمد حسین طباطبایی را یکی از چهره‌های شاخص این رهیافت دانسته و به بررسی روش تفسیری وی در المیزان پرداخته است. به نظر وی نکته مهم در این تفسیر آن است که طباطبایی وحدتی تصنعی را به قرآن تحمیل نکرده و همچنین تفسیر خود را تفسیر به رأی ندانسته است. طباطبایی که رویکردی تدرسی در مباحث نحوی و معنایی دارد، همواره سعی بر آن دارد که نشان دهد نتایج به دست آمده او روی هم رفته با آرای دانشمندان متقدم

خاستگاه‌های آن در مکه تا دوران شکوفایی آن در مدینه، فراهم می‌سازد و از سوی دیگر مجموعه گفتارهایی است که در دوران سختی و رنج به پیامبر و یارانش تسلی می‌داده و آنان را هدایت می‌کرده است. این دو نقش نه تنها برای آگاهی از دوران پیامبر بلکه به منظور درک بخش عمده‌ای از تاریخ دینی مسلمانان اهمیت ویژه دارد. به اعتقاد مؤلف تمامی جنبش‌های اسلامی متأخر اعم از اصلاحگران رادیکال یا گروه‌های میانه‌رو، به دنبال آن بوده‌اند تا عقاید و رفتارهای خود را مبتنی بر قرآن کنند یا دست کم تأییداتی از آن بیابند که یکی از رویدادهای مشابه آن در تاریخ اسلام، جریان معاویه و قرآن بر نیزه کردن او و ماجرای حکمیت است.

در بخش دیگر مقاله به نقش مهم قرآن در تغییر فرهنگ شفاهی عرب به فرهنگ کتبی اشاره شده چنان که در نخستین آیات وحی توجه ویژه‌ای به «نوشتن» و «خواندن» و «قلم» و «کتاب» شده است. مؤلف با بیان این نکته که توصیه به خواندن و نوشتن امری عمومی بوده، به ماجرای آزادی اسپران جنگ در قبال تعلیم خواندن و نوشتن به مسلمانان اشاره کرده و نتیجه گرفته که تحولی بنیادین در آگاهی و هوشیاری عرب رخ داد و به زودی فرهنگ و دانش جایگزین بی‌سوادی گردید، چنان که از آن پس کتاب را به مثابه قانون می‌نگریستند و قانون از نظر آنان از حد آداب و رسوم شفاهی فراتر رفته و شکل مکتوب به خود گرفته بود.

به تعبیر مؤلف، در نظر گرفتن قرآن به عنوان کتاب شریعت و راهنمای زندگی این نتیجه مهم را نیز در پی داشت که علوم مختلف اسلامی پیشرفت کرد و آثار فراوانی در زمینه‌های گوناگون این علوم تألیف شد. از جمله لغت و صرف و نحو و بلاغت به منظور دستیابی به فهم صحیح از متن قرآن توسعه یافتند؛ حدیث و سنت پیامبر، مرجع شرح و تبیین قرآن تلقی گردید؛ فقه و کلام نیز به دنبال شرح آیات مرتبط با آنها گسترش پیدا کرد. به گفته وی بسیاری از دانشمندان اسلامی بر این باورند که نه تنها رشد علوم دینی بلکه یادگیری به طور عام در میان مسلمانان الهام گرفته از قرآن بوده است، زیرا آیات قرآن با تأکید بر دقت و مطالعه در آیات و نشانه‌های الهی در جهان، زمینه‌ای برای مطالعه درباره طبیعت ایجاد کرده است.

مؤلف در ادامه، قلمروهایی از حیات اجتماعی مسلمانان را که قرآن در آنها نقش اساسی ایفا می‌کند، شناسانده است: نخست اینکه قرآن به عنوان متن اصلی اسلام، مرجع نهایی در تمامی موضوعات مرتبط با دین نظیر عقاید و اخلاق و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در جوامع اسلامی است. دیگر اینکه قرآن در نمازهای واجب و مستحب خوانده می‌شود. همچنین قرآن ابزاری مبنایی و مقدماتی برای آموزش است، زیرا بخش عمده‌ای از جمعیت مسلمانان در جهان که غیر عرب‌زبان‌اند، الفبای عربی را به منظور آموزش خواندن قرآن به کودکان می‌آموزند. از سوی دیگر قرآن در بسیاری از وقایع و فعالیت‌های اجتماعی غیر عبادی نیز حضور دارد، مثلاً در ابتدای جلسات سیاسی و اجتماعی و سمینارها برای تبرک و در مجالس ترجمه خوانده می‌شود. همچنین قرآن در

گزیده کتابشناسی

- محمود ایوب، قرآن و مفسران آن، (تاکنون) ۲ جلد، نیویورک ۱۹۸۴.

- میشل چد کیویتس، اقبانوسی بیکران: ابن عربی، قرآن و فقه، ترجمه دیدوید استریت، نیویورک ۱۹۹۳.

- کیت کرگ، قلم و ایمان: هشت نویسنده معاصر مسلمان و قرآن، لندن ۱۹۸۵.

- هلموت کاتیه، قرآن و تفسیر آن: گزیده‌ای از آیات به همراه تفاسیر قدیم و جدید اسلامی، ترجمه و ویرایش آلفورد ولچ، برکلی ۱۹۷۶.

- هاوتینگ و عبدالقادر شریف (ویراستاران)، رهیافت‌هایی به قرآن، لندن و نیویورک ۱۹۹۳.

- توشیهیکو ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن: معناشناسی جهان بینی قرآنی (۱۹۶۴): نیویورک ۱۹۸۰.

- آرتور جفری، واژگان دخیل قرآن، بارودا ۱۹۳۸.

- آرتور جفری (ویراستار)، موادی برای تاریخ متن قرآن، لیدن ۱۹۳۷.

- سیدابوالاعلی مودودی، به سوی فهم قرآن (ترجمه انگلیسی تفهیم القرآن)، ترجمه ظفر اسحق انصاری، لیچستر ۱۹۸۸.

- جین دمن مک‌اولیف، مسیحیان قرآنی: تحلیلی بر تفسیر کلاسیک و معاصر، کمبریج و نیویورک ۱۹۹۱.

- سید قطب، در سایه قرآن (ترجمه انگلیسی جزء سی‌ام تفسیر فی ضلال القرآن)، ترجمه عادل صلاحی و عاشور شمیم، لندن ۱۹۷۹.

- فضل الرحمان، موضوعات اصلی قرآن، شیکاگو ۱۹۸۰.

- محمد حسین طباطبایی، قرآن در اسلام: تأثیر و نفوذ آن در زندگی مسلمانان (ترجمه انگلیسی قرآن در اسلام)، لندن ۱۹۸۷.

- محمود محمد طه، دومین رسالت اسلام (ترجمه انگلیسی الرسالة الثانية من الاسلام)، ترجمه و ویرایش عبدالله احمد نعیم، نیویورک ۱۹۸۷.

- آمنه ودود محسن، قرآن و وزن، کوالا لامپور ۱۹۹۲.

- آلفورد ولچ و پیرسون، «قرآن»، دایرة المعارف اسلام، ویرایش جدید، جلد ۵، ص ۴۰۰-۴۳۲، لیدن ۱۹۸۶.

قرآن در اندیشه و عمل مسلمانان

این مقاله با طرح این نکته آغاز شده که چون قرآن برای مسلمانان عین کلام خداوند است، جایگاه ویژه‌ای در شئون فردی و اجتماعی زندگی آنان دارد. در ادامه مؤلف با اشاره به نزول تدریجی قرآن و تحلیل چرایی آن، قرآن را دارای نقشی دوگانه دانسته است: از یک سو گزارش و سندی ناظر به جامعه معاصر پیامبر و منبعی برای پیگیری سیر تاریخی اسلام، از

— فردریک متیوسن دنی، «آموزش تلاوت قرآن در اندونزی: بررسی متون و کتاب‌ها»، رهیافت‌هایی به تاریخ تفسیر قرآن، ویراسته اندرو ربیین، آکسفورد ۱۹۸۸، ص ۲۸۸-۳۰۶.

— کریستین نلسن، هنر تلاوت قرآن، اوستین ۱۹۸۵.

— فضل الرحمان، موضوعات اصلی قرآن، شیکاگو ۱۹۸۰.

— فضل الرحمان، اسلام و مدرنیته: تحول یک سنت فکری، شیکاگو ۱۹۸۲.

— محمد حسین طباطبایی، قرآن در اسلام: تأثیر نفوذ آن در زندگی مسلمانان، لندن ۱۹۸۷.

۲- تفسیر^۱

مستتصر میر در این مقاله، ضمن تحلیل و بررسی عمل پیدایش و رشد تفسیر در سده‌های نخستین اسلام، به معرفی گرایش‌های مهم و مفسران مشهور در تفسیر قرآن پرداخته و در نهایت به دیدگاه‌های تفسیری در دوران جدید خصوصاً رهیافت فضل الرحمان، توجه کرده است.

در ابتدای مقاله بحثی در باب امکان و ضرورت تفسیر قرآن طرح شده است. از یک سو به منظور عمل به دستورات الهی، قرآن باید به طور کامل فهمیده شود و از این رو نیاز به شرح و تفسیر دارد و از سوی دیگر قرآن چون از جانب خداست، اولاً باید واضح و روشن و بی‌نیاز از شرح و توضیح باشد و ثانیاً عقل محدود بشر قادر به دریافتن معانی حقیقی آن نیست. همین دلایل موجب شد که از همان آغاز اسلام علی‌رغم نوعی عدم رغبت به تفسیر قرآن در میان صحابه، اشتیاق به یادگیری و روایت اقوال تفسیری پیامبر و نیز بعدها صحابه وجود داشته باشد. در ادامه، به تفسیر در دوره صحابه و تابعین و تفاوت مکاتب تفسیری مکه و مدینه و عراق و همچنین عدم استقلال تفسیر از حدیث در آن دوره اشاره شده است.

مؤلف مسائلی را که باعث پدید آمدن اصول تفسیر و گسترش تفسیر در طی تاریخ آن شده، مربوط به سه حوزه دانسته است: زبان‌شناسی، فقه و کلام. در زبان‌شناسی سؤالاتی در باب معانی واژه‌ها، اعراب کلمات و علل تکرار برخی آیات، در فقه مسائلی چون نسخ و عموم و خصوص احکام؛ در کلام مباحثی نظیر جسمانیت خدا و عصمت پیامبران به سرعت جای خود را در میان مباحث علوم اسلامی باز کرد و مورد توجه مفسران قرار گرفت. به تعبیر مؤلف، تنوع و تعدد مسائل و دیدگاه‌ها و رویکردهای گوناگون به منظور پاسخگویی به این مسائل، موجب نظام‌مند شدن اصول تفسیر شد.

وی در این زمینه به کتاب مهم و اثرگذار ابن تیمیّه، مقدمه فی اصول التفسیر اشاره کرده و آرای مؤلف آن را درباره تفسیر مآثور و تفسیر به رأی تشریح نموده است و در ادامه برای روشن شدن مطلب نمونه‌هایی از آیات بحث‌انگیز فقهی و کلامی را عرضه کرده است؛ از جمله به ماجرای یوسف و زلیخا اشاره کرده که با مسئله کلامی عصمت پیامبران ارتباط پیدا می‌کند. همچنین به تقسیم‌بندی معانی قرآن به عبارات و اشارت و دلالت و اقتضا

فعالیت‌ها و آثار هنری نیز کاربرد دارد، چنان که هنر قرائت قرآن همراه با صوت و لحن و رعایت تجوید و خوشنویسی آیات قرآن از جمله گسترده‌ترین مهارت‌ها در فرهنگ اسلامی است.

نکته دیگری که مؤلف در این زمینه اشاره کرده آنست که اهتمام ویژه مسلمانان به آموزش خط عربی و توانایی همه آنان حتی غیر عرب‌زبانان در خواندن متن قرآن ناشی از آن است که مسلمانان قرآن را عین کلام خدا می‌دانند و خواندن آن را عملی پسندیده و مؤمنانه و دارای خیر و برکت تلقی می‌کنند. وی کشورهایی نظیر مالزی و اندونزی را به عنوان شاهد ذکر کرده که با وجود نداشتن سابقه طولانی در مطالعات اسلامی، هنر تلاوت قرآن در آنها بسیار رواج یافته است.

در بخش پایانی مقاله، از توجه ویژه به قرآن در دوران معاصر به عنوان منبع اصلی هدایت یاد شده است. برخی باتمايز قائل شدن بین پوسته و هسته سنت اسلامی، قرآن را هسته و مغز آن دانسته و ارزش علوم دیگر اسلامی را نفی کرده‌اند. برخی نیز با اولویت دادن به قرآن در طبقه‌بندی علوم اسلامی، حدیث و فقه را در جایگاه بعدی قرار داده‌اند. عده‌ای نیز بر آنند که توده مردم به آموزش تعلیمات اسلام نیازمندند که در رأس این آموزش‌ها مطالعات قرآنی قرار دارد. چنان که مؤلف مقاله اشاره کرده، بسیاری از اندیشمندان اصلاحگر مسلمان نظیر سید احمد خان و ابوالکلام آزاد و ابوالاعلی مودودی و سید قطب و محمد رشید رضا و ابن بادیس قرآن را مرجع و مستند اصلی خویش قرار داده و تفسیر قرآن را ابزاری برای اظهار آرا و نظریات خویش برگزیده‌اند و در تفاسیر خود علاوه بر شرح و توضیح عبارات متن به طور کلی، با انتخابی دقیق و تبیینی نظام‌مند از اصطلاحات و مفاهیم کلیدی قرآن پاسخی آگاهانه و هوشیارانه به مدرنیته فراهم آورده‌اند.

به عقیده مؤلف، پدید آمدن فهمی جدید از قرآن در میان فقها و دانشمندان حوزه‌های دیگر، نشان از مرکزیت قرآن در تفکر مسلمانان امروز دارد. برای مثال فضل الرحمان در آثار خود، به ویژه اسلام و مدرنیته، بر نیاز به رویکردی جدید به قرآن تأکید دارد که از آن طریق مسلمانان بتوانند مجدداً خود را باز یابند. این دیدگاهی است که همه دانشمندان اسلامی با وجود اختلاف در روش‌ها و مفاهیم، بر آن توافق خواهند داشت.

گزیده کتاب‌شناسی

— مالک بن نبی، پدیده قرآنی (به فرانسه)، دمشق ۱۹۳۷ / ۱۹۷۷؛ ترجمه انگلیسی آن در کویت (۱۹۸۳) به چاپ رسید.

— کیت کرک، قلم و ایمان: هشت نویسنده معاصر مسلمان و قرآن، لندن ۱۹۸۵.

— فردریک متیوسن دنی، «قرآن و حدیث»، کتاب مقدس از دیدگاه تطبیقی، ویراسته فردریک دنی و رودنی تیلور، کلمبیا ۱۹۸۵، ص ۸۴-۱۰۸.

امامت دانسته است. به تعبیر مؤلف ارزشمندترین تفاسیر نزد شیعیان، روایات تفسیری منسوب به امامان است که آن را بر معنای ظاهری آیات نیز ترجیح می‌دهند. تفسیر شیعی در برخی مباحث کلامی متأثر از معتزله است، اما در مسائل فقهی اختلافات اساسی با اهل سنت دارد. مؤلف مقاله تفاسیر طوسی و طبری و فیض کاشانی و طباطبایی را مشهورترین تفاسیر شیعه امامیه معرفی کرده و در پایان این بخش به تفسیر زیدیه و مهم‌ترین نمونه آن یعنی فتح‌القدیر شوکانی، که در میان اهل سنت بسیار رواج دارد، اشاره کرده است.

مبحث پایانی مقاله درباره تفاسیر جدید است که عمدتاً در قرن بیستم میلادی به نگارش درآمده‌اند. مؤلف در ابتدای این بخش سعی کرده تفاوت اصلی بین تفاسیر جدید و تفاسیر قدیم و سنتی را نشان دهد. به گفته وی تفسیر در دوره جدید به دنبال یافتن مخاطبان عام است و علاوه بر محققان به مردم عادی نیز نظر دارد که عواملی چون توسعه تعلیم و تربیت و ظهور مفاهیمی چون دموکراسی در عصر جدید در این امر موثر بوده است. همچنین در سرزمین‌های مختلف جهان اسلام به ویژه شبه‌قاره هند و پاکستان و نیز در مغرب و آسیای جنوب شرقی، ضرورت مخاطب قرار دادن توده مردم علت اصلی نگارش آثار تفسیری بوده است.

مسائل مورد تأکید در تفسیر جدید، چنان که مؤلف اشاره کرده، نسبت به گذشته تغییر یافته است. در حالی که مسائلی چون نحو و بلاغت کمتر مورد توجه‌اند یا به کلی محذوف‌اند، در مقابل، بحث در باب مشکلات جامعه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی در تفاسیر جدید فراوان یافت می‌شود. در واقع تفسیر به وسیله‌ای مهم برای بیان عقاید در این حوزه‌ها بدل شده و حتی برخی از مفسران نظیر رشیدرضا و سیدقطب و مودودی و ابن بادیس تفاسیر خود را به قصد اصلاح و احیا به نگارش درآورده‌اند و شوکانی تفسیر خود را به منظور انتقاد شدید از تقلید به معنای پذیرش بلافضل مرجعیت نوشته است. در ادامه، مؤلف از دوره‌یافت مهم در تفسیر معاصر یاد کرده است. نخست نظریه وحدت مضمونی سوره‌ها و اینکه سوره‌های قرآن در کنار یکدیگر دارای نظم هستند که موفق‌ترین تلاش در این زمینه تدبیر قرآن نوشته امین احسن اصلاحی اهل پاکستان به زبان اردوست. دوم تفسیر علمی که مشهورترین نماینده آن محقق مصری، جوهری طنطاوی، است.

در پایان این بخش، مؤلف به این مسئله پرداخته که آیا تفسیر جدید به طور کلی با تفسیر سنتی متفاوت است یا خیر؟ به اعتقاد وی اهداف مفسران قدیم و جدید تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد و نیز این گروه تحت تعلیم و تربیت مشابه و یکسانی بوده‌اند. بنابراین این سؤال پیش می‌آید که آیا گسست بین تفسیر قدیم و جدید اختلافی مبنایی و همیشگی است؟ مؤلف برای پاسخ به این سؤال مهم به طور مفصل به تبیین دیدگاه‌های فضل‌الرحمان ورهیاقت نوین وی به تفسیر قرآن در کتاب اسلام و مدرنیته پرداخته است. چکیده دیدگاه فضل‌الرحمان در این باب آن است که به

از سوی فقیهان اشاره کرده و در مورد هر یک مثالی ارائه نموده است. نکته مهم دیگری که در این بخش به آن توجه شده نا کافی بودن تفسیر به مأثور برای فهم تمامی معانی قرآن است. مؤلف ضمن استناد به آیاتی که بر تدبیر در قرآن صحنه می‌گذارد به جایگاه ارزشمند تفسیر به رأی در سنت اسلامی اشاره کرده و معتقد است آنچه باید از میان برود تفاسیر غیر مسئولانه افراد غیر متخصص است و تفاسیر متعهدانه محققان صلاحیت دارا نمی‌تواند صرفاً با برجسب تفسیر به رأی رد و انکار کرد. وی تمایز قائل شدن بین تفسیر به رأی محمود و مذموم را نتیجه همین تفکیک دانسته است.

در بخش بعدی مفسران بزرگ و مهم قرآن معرفی شده‌اند. ابن جریر طبری، مهم‌ترین شخصیت در سنت کلاسیک و رسمی تفسیر است که اثر وی منبعی موقوت برای آگاهی از آرا و دیدگاه‌های تفسیری پیامبر و صحابه و تابعین و مفسران تا عصر او محسوب می‌شود. مؤلف مقاله پس از ارزیابی جامع الیبان طبری به عنوان تفسیر مأثور و بیان جایگاه آن در سنت اسلامی، مفسران دیگری همچون ثعلبی و بغوی و ابن کثیر و سیوطی را که تفاسیر مأثور نگاشته‌اند، نام برده است. سپس با ذکر روش‌های گوناگون تفسیری، به مهم‌ترین تفاسیر نگاشته شده بر اساس هر یک از روش‌ها اشاره کرده است. از جمله ابتدا به تفسیر ادبی و پیشینه آن پرداخته و اوج آن را تفسیر الکشاف زمخشری دانسته و همچنین از تفاسیر بیضاوی و ابوالبرکات نسفی و در جای خود ابوحیان یاد کرده است. مؤلف التفسیر الکبیر فخر رازی را معرف تفسیر کلامی و جدلی و منبعی مناسب برای آگاهی از اختلافات کلامی میان مسلمانان خصوصاً اشاعره و معتزله بر شمرده است. در تفسیر فقهی نیز از تفاسیر جصاص و قرطبی و ابن جوزی یاد شده است. نکته مهمی که در پایان این بخش آمده آن است که بسیاری از تفاسیر یاد شده محدود به یکی از تقسیمات فوق نمی‌شوند. مثلاً تفسیر زمخشری علاوه بر مسائل ادبی به ابعاد کلامی نیز توجه داشته و تفسیر الجامع لاحکام القرآن قرطبی در کنار مباحث فقهی به مسائل زبانشناختی و ادبی نیز پرداخته است. به تعبیر مؤلف یکی از بارزترین نمونه‌های تفسیر مرکب و چند بُعدی روح المعانی شهاب‌الدین محمود آلوسی است.

دو بخش بعدی این مقاله به تفسیر صوفی و تفسیر شیعی اختصاص یافته است. از نگاه مؤلف تفاسیر صوفیه از دو جهت قابل توجه است: یکی اینکه تقریباً فاقد مباحث نحوی و بلاغی و فقهی و کلامی است و دیگر اینکه به منظور دستیابی به معانی عمیق تر قرآن از طریق ادراک شهودی به معنایی فراتر از ظاهر متن قرآن نظر دارد. اگرچه برخی از معانی ذکر شده از سوی صوفیان بی ارتباط و حتی ناسازگار با متن قرآنی است، اما گاهی متن قرآن محملی مناسب برای بیان نظریات و آرای لطیف و دقیق از سوی آنان است. مؤلف از سهل تستری و ابو عبدالرحمان سلمی و ابوالقاسم قشیری به عنوان مشهورترین مفسران صوفی یاد کرده است. در بحث از تفسیر شیعه، مؤلف تمایز اساسی بین تفسیر آنان و تفاسیر اهل سنت را نه در روش که اصولاً در اعتقاد به جانشینی علی (ع) و مسئله



– پل نویا، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، بیروت ۱۹۷۰.
 – فضل الرحمان، اسلام و مدرنیته، تحول یک سنت فکری، شیکاگو ۱۹۸۲.
 – اندرو ریپین، «تفسیر»، دایرةالمعارف دین، ج ۱۴، ص ۲۳۶ – ۲۴۴، نیویورک ۱۹۸۷.
 – اندرو ریپین (ویراستار)، رهیافت‌هایی به تاریخ تفسیر قرآن، آکسفورد ۱۹۸۸.
 – اندرو ریپین، «وضعیت کنونی مطالعات تفسیری»، جهان اسلام ۷۲ (۱۹۸۲): ۲۲۴-۲۳۸.
 – محمدحسین طباطبایی، قرآن در اسلام: تأثیر و نفوذ آن در زندگی مسلمانان، لندن ۱۹۸۷.
 – بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۴ جلد، ویراسته محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۹۵۷-۱۹۵۸.

۳- قرائت قرآن

فردریک ماتیوسن دنی، «مؤلف مقاله با اشاره‌ای گذرا به علم قرائت در سده‌های نخستین اسلامی، به جایگاه هنر تلاوت قرآن و علم تجوید در کشورهای اسلامی پرداخته و به تفصیل از فعالیت‌های مرتبط با آن نظیر جلسات آموزشی و مسابقات سخن گفته است.
 در مقدمه مقاله، واژه قرائت از دو جنبه نظری و عملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نخست اینکه قرآن پیامی است که از طریق محمد (رسول) به بشریت رسیده است. دیگر اینکه قرائت فعلی شفاهی است که در نمازها، عبادات و اعمال فردی صورت می‌پذیرد. از نگاه مؤلف، مسلمانان با تلفیق این دو جنبه قرائت است که به آموزش، حفظ و تجلیل قرآن اهتمام می‌ورزند و در نتیجه قرآن مسلمانان را از طرق مختلف فکری، بیانی، سمعی و بصری راهبری می‌کند.
 در ادامه، تواتر قرآن در کتابت و قرائت مورد تأکید قرار گرفته است. به عقیده مؤلف همین امر موجب گردیده تا مسلمانان در عقیده، مناسک و سیستم اخلاقی و شرعی اشتراک داشته باشند و قرآن کتاب اصلی در ادبیات، دین و اخلاق تلقی گردد.
 مؤلف در بخش بعدی مقاله با عنوان قرائت و تلاوت، ضمن اشاره به وجود قرائات مختلف قرآن که ناشی از اختلافات لهجه‌ها در مناطق مختلف بوده، تأثیر قرآن عثمانی در یکپارچه‌سازی قرائات و محدود شدن آن به هفت قرائت اصلی را متذکر می‌شود. به نظر او، علم قرائات علمی دشوار است و مصر و عربستان سعودی از مراکز اصلی این علم است. پس از آن وی به جایگاه قرائت قرآن در توثیق متن قرآن می‌پردازد و چگونگی نقل یک قرائت از پیامبر تا قاری را از طریق سلسله روایت یادآور می‌شود.
 در ادامه، به هنر تلاوت قرآن یا علم تجوید توجه شده است. مؤلف نخست تعریفی دقیق از تجوید ارائه می‌کند. سپس به کاربرد آن در قرائت

منظور عرضه تفسیری قابل فهم برای عصر امروز دو حرکت فکری مورد نیاز است: حرکت از وضع کنونی به سمت دوره نزول قرآن و سپس حرکت از آن دوره به زمان حال. در نخستین حرکت باید معنای قرآن و اصطلاحات ویژه که برای پاسخگویی به مسائل خاص آن زمان به کار می‌رفته، شناخته و تعمیم داده شود و حرکت دوم، رفتن از این دیدگاه عام به دیدگاه خاص است که در عصر حاضر شکل گرفته است. در آرای فضل الرحمان، سنت تاریخی تفسیر به جای اینکه معیاری برای اعتبار و حقانیت فهم قرآن باشد، خود موضوع مطالعه و بررسی قرار گرفته است. به عقیده مؤلف مقاله آرای فضل الرحمان ممکن است به دو دلیل به سرعت مورد قبول محققان اسلامی قرار نگیرد، یکی به این دلیل که اساساً ارزش سنت تاریخی تفسیر را زیر سؤال می‌برد و دیگر اینکه موفقیت این رهیافت منوط به تلاش‌های همسوی مورخان و جامعه‌شناسان و دانشمندان علم اخلاق است، حال آنکه مفسران جدید به سبب تربیت‌های خاصشان همچنان به کلام و فقه سنتی اقتدا می‌کنند.

مؤلف در پایان مقاله بخشی با عنوان خاتمه آورده است. در این بخش وی به این نکته اساسی اشاره کرده که تفسیر در آینده اهمیتی بیشتر خواهد یافت و ابزاری برای بیان عقاید جدید و زمینه‌ساز اصلاح و پیشرفت خواهد شد که ظهور تألیفات روزافزون در این زمینه به زبان‌های بومی سرزمین‌های مختلف جهان اسلام شاهدهی بر این مدعا است. البته این قبیل نوشته‌ها زمانی موفق و کارا به حساب می‌آیند که بتوانند راه‌حل‌های مناسبی برای مسائل مربوط به آنها عرضه کنند.

گزیده کتابشناسی:

– محمود ایوب، قرآن و مفسران آن، (تاکنون) ۲ جلد، نیویورک ۱۹۸۴.
 – بالیون، تفسیر معاصر قرآن (۱۸۸۰-۱۹۶۰)، لیدن ۱۹۶۱.
 – گرهارد بوئرینگ، نگاهی عرفانی به وجود در دوران کلاسیک: اصول فهم قرآنی سهل نستری (م ۲۸۳ / ۸۹۶)، نیویورک ۱۹۸۰.
 – محمدحسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۲ جلد، چاپ دوم، قاهره ۱۹۷۶.
 – ایگناتس گلدتسیهر، روش‌های تفسیر اسلامی، لیدن ۱۹۲۰.
 – هاتینگ و عبدالقادر شریف (ویراستاران)، رهیافت‌هایی به قرآن، لندن و نیویورک ۱۹۹۳.
 – جانسن، تفسیر قرآن در مصر معاصر، لیدن ۱۹۷۴.
 – علی مراد، ابن بادیس، مفسر قرآن، پاریس ۱۹۷۱.
 – مستنصر میر، پیوستگی در قرآن، مطالعه مفهوم نظم نزد اصلاحی در تفسیر تدبر قرآن، ایندیاناپولیس ۱۹۸۶.
 – تئودور نولدکه و دیگران، تاریخ قرآن، ۳ جلد، لیبزیک ۱۹۰۹ – ۱۹۳۸.

شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را تعلیم دهد». در پایان مقاله، مسابقات قرآن در کشورهای اسلامی به ویژه اندونزی شرح داده شده است.

گزیده کتاب‌شناسی

– اشرف عبدالفتاح به همراه علاءالدین حسنین و صلاح صالح، تجوید القرآن: رهیافتی جدید برای یادگیری هنر قرائت قرآن کریم، لندن ۱۹۸۹.

– محمد خطیب تبریزی، مشکاة المصابیح، ۴ جلد، ترجمه جیمز رابسون، لاهور ۱۹۶۴-۱۹۶۶.

– کریستینا نلسون، هنر قرائت قرآن، آستن ۱۹۸۵.

– محمد قاسم، قرائت و ترجمه قرآن: نظریه غزالی، مالزی ۱۹۷۹.

– محمد ابراهیم سورتی، یک دوره آموزشی در علم قرائت قرآن، لیستر ۱۹۸۸/۱۴۰۸.

– لیب سعید، قرآن تلاوت شده: تاریخچه‌ای از نخستین نسخه ثبت شده (ترجمه انگلیسی)، ترجمه برنارد ویس، پرینستون ۱۹۷۵.

۴- زندگینامه‌ها

در این دایرةالمعارف، زندگینامه چهره‌های مهم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام در دوره جدید روایت شده است. در این بخش، کوشش شده گزارشی از شرح حال شخصیت‌های برجسته قرآنی، که نقشی اثرگذار در پژوهش‌های قرآنی و تفسیر قرآن داشته‌اند، ارائه شود. نگارندگان با کاوشی در فهرست مدخل‌ها، در بدو امر قریب به بیست شخصیت مطرح قرآنی را گزینش کردند که پس از بررسی دقیق‌تر معلوم شد، تنها شش تن از ایشان به عنوان افراد اثرگذار قرآنی مورد توجه مؤلفان دایرةالمعارف قرار گرفته و به تفصیل درباره‌آنها و اندیشه‌ها و فعالیت‌های قرآنی ایشان سخن به میان آمده است، که در ادامه گزارش نسبتاً مبسوطی از شرح حال ایشان خواهد آمد.

سایر افراد، گرچه با طرح اندیشه‌ها و رهیافت‌های نوین خود تأثیر به‌سزایی در شکل‌دهی و جریان‌سازی مطالعات و پژوهش‌های قرآنی در قرن نوزدهم و بیستم داشته و بیشتر آنان آثاری مهم در زمینه ترجمه و تفسیر قرآن از خود به جای گذاشته‌اند، با این حال به دلیل رویکرد سیاسی- اجتماعی دایرةالمعارف، به توضیحی کوتاه درباره فعالیت قرآنی ایشان بسنده شده و بیشتر ابعاد اجتماعی و سیاسی زندگی آنان زیر ذره‌بین قرار گرفته است. مشخصات این افراد در جدول شماره ۲ آمده است.

محمد آرگون (متولد ۱۹۲۸)، نویسنده و دانشمند مسلمان الجزایری، از جمله روشنفکران مسلمانی است که از طریق سیستم هرمنوتیکی پیچیده‌ای که از متدولوژی انتقادی معاصر غربی الهام گرفته، به وظیفه حساس تفسیر مجدد و بازنگری در سنت‌های مذهبی،

قرآن می‌پردازد. به نظر او ریشه‌های قواعد تجوید را می‌توان تا زمان پیامبر ردیابی کرد. پس از آن، اصطلاح ترتیل به معنای تلاوت شمرده و موزون قرآن مطرح شده است.

به گفته مؤلف نوآموزان از سبک تلاوت ترتیل بهره می‌گیرند و این سبک در طیف گسترده‌ای از مسلمانان رواج دارد. وی سپس به مقایسه تجوید و ترتیل پرداخته و نیز اصطلاح دیگر قرآنی یعنی تلاوت را شناسانده است. در نهایت، مؤلف به قرائت سریع قرآن با رعایت قواعد تجویدی توسط قاریان حرفه‌ای که قصد مرور سریع محفوظات خود را دارند، اشاره کرده است.

بخش دیگر مقاله، احادیث نبوی و آداب ابتدایی نام دارد. در این بخش نخست برخی روایات منقول از پیامبر درباره قرائت قرآن-که در آن مسلمانان به خواندن قرآن با صدای نیکو تشویق شده‌اند- ذکر شده است. در ادامه، مؤلف متذکر می‌شود که اطاعت کامل مسلمانان از این دستورات سبب شده، صدای تلاوت قرآن در جهان مشابهی نداشته باشد. سپس به مجموعه‌ای از آداب قرائت قرآن نظیر: قرائت قرآن از روی متن یا از حفظ؛ اوقات سفارش شده جهت قرائت قرآن؛ نحوه نشستن قاری قرآن؛ استعاذه پیش از آغاز قرائت قرآن؛ نحوه ختم قرائت قرآن؛ آیات سجده‌دار؛ منع از خوردن در هنگام قرائت و جواز نوشیدن و مانند آن می‌پردازد. همچنین برخی آداب مربوط به مستمعان قرائت قرآن یادآوری می‌شود؛ چون: سکوت هنگام قرائت قرآن؛ توجه به آیات در حال قرائت؛ پرهیز از تکلم و رفتار ناشایست. هر چند اختلاف رفتار مستمعان در کشورهای مختلف اسلامی از نگاه مؤلف به دور نمانده و او شواهدی از مصر و اندونزی آورده است. در بخش پایانی مقاله، با عنوان قرآن و تعلیمات اسلامی، به چگونگی آموزش قرآن در کشورهای اسلامی توجه شده است به عقیده مؤلف، هر چند مدارس سنتی قرآنی- که هنوز در مناطق روستایی یافت می‌شود- جای خود را به مدارس مدرن با برنامه تحصیلی سکولار یا تلفیق مذهبی- سکولار داده است اما تعلیمات قرآنی، در برنامه‌های جایگزین نظیر جلسات در مساجد رواج دارد؛ این برنامه‌ها در ساعات بعدازظهر، تعطیلات آخر هفته و تعطیلات بین درسی اجرا می‌شود. در اینجا مؤلف، مثال‌هایی از کشورهای مختلف اسلامی نظیر: اندونزی، مصر و مانند آن آورده است.

در ادامه، مؤلف به موضوع کسب در آمد قاریان قرآن از طریق اجرای قرائت اشاره می‌کند. به گفته وی آنچه که در ازای آن اجرت دریافت می‌شود، قرآن نیست بلکه خدمتی انسانی است. در مقابل مؤسسات خیریه زیادی وجود دارند که به ترویج دانش قرآنی می‌پردازند که مؤلف در این باره شواهدی ارائه می‌کند. همچنین وی یادآوری می‌شود که علی‌رغم توجه زیادی که به قرائت حرفه‌ای قرآن می‌شود، اشتباه بزرگی است اگر نتیجه‌گیری کنیم توجه به قرآن به این موضوع محدود می‌شود. چرا که مسلمانان همیشه این توصیه پیامبر را ویژه گوش خود دارند که: «بهترین

گزیده کتاب‌شناسی

- محمد آرکون، فراتاتی درباره قرآن، ویرایش دوم، تونس ۱۹۹۱.
- همو، مقدماتی در باب اسلام، پاریس ۱۹۸۹. پژوهشی گیرا در باب اسلام و اندیشه سیاسی؛ متنی اساسی جهت فهم سیستم تفسیری آرکون.
عایشه عبدالرحمان بنت الشاطی " (متولد ۱۹۱۳)، نویسنده مصری و استاد زبان و ادبیات عرب و پژوهش‌های قرآنی.



بنت الشاطی، مؤلف بیش از شصت کتاب در زمینه ادبیات عرب، تفسیر قرآن، زندگی زنان جامعه صدر اسلام (به ویژه خاندان پیامبر)، مسائل اجتماعی معاصر و رمان است. وی قرآن و ادبیات کلاسیک عربی را از پدرش - مدرس دانش آموخته الازهر - در مؤسسه‌ای مذهبی آموخت. او علی‌رغم مخالفت پدرش با رفتن به مدارس عمومی، با کمک مادر و پدر بزرگش به گذراندن تحصیلات غیر مذهبی موفق شد. بنت الشاطی فعالیت ادبی خویش را با نگارش شعر و مقاله در مجله النهضه آغاز کرد. در ۱۹۳۶ منتقد ادبی روزنامه نیمه رسمی الاهرام شد و در همان سال به دانشکده ادبیات دانشگاه فواد اول (دانشگاه قاهره کنونی) وارد شد. در همین زمان، به منظور مخفی نگه داشتن هویت خویش از پدرش، تخلص «بنت الشاطی» را برای خود برگزید. در ۱۹۵۰، با رساله‌ای در شعر ابوالعلاء معری، به دریافت دکتری نائل شد. در ۱۹۵۱ استاد زبان و ادبیات عرب در دانشگاه عین شمس قاهره شد. در طی دهه ۶۰ او در کنفرانس‌های ادبی بین‌المللی شرکت می‌جست و استاد مدعو دانشگاه‌های مختلف بود. بعد از بازنشستگی، استاد مطالعات عالی قرآنی دانشگاه قرویین در مراکش شد. مقالات منظم او در الاهرام، زندگینامه زنان پیامبر و مخصوصاً تفسیر قرآن وی موجب شهرت او در مصر و جهان عرب گشت.

بنت الشاطی در دوران دانشجویی در دانشگاه فواد، با استاد امین خولی آشنا شد و در ۱۹۴۵ با او ازدواج کرد. امین خولی او را با تحلیل ادبی قرآن که بعدها وجه متمایز وی شد، آشنا کرد؛ چنان‌که اثر او بهترین نمونه از روش امین خولی است. تفسیر بیانی قرآن در واقع پیشنهادی برای انتقال قرآن از دایره انحصاری تفسیر سنتی به مطالعات ادبی است. در حالی که برخی مفسران متقدم برای هر آیه قرآن تفاسیر متعددی ارائه می‌کردند و این را نشانی از غنای قرآن می‌دانستند، بنت الشاطی بر آن است که هر کلمه از قرآن تنها یک تفسیر دارد که باید از سیاق کلی قرآن استنباط شود. او با دخالت دادن منابع بیرونی، خصوصاً اطلاعات برگرفته از کتاب مقدس یا اسرائیلیات در تفسیر قرآن به شدت مخالف بوده و اضافه شدن آن را به تفاسیر سنتی قرآن بخشی از توطئه یهود برای هدم اسلام و سيطرة بر جهان برمی‌شمرد. از دیگر نظریات او قول به عدم ترادف قرآن است و تأکید دارد که هر واژه قرآن دارای معنایی منحصر به فرد است در حالی که بسیاری از دانشمندان معتقدند برخی واژگان قرآنی صرفاً به



شرعی و فلسفی پرداخته است.
او در دوم ژانویه ۱۹۲۸ متولد شد. مطالعات عربی خود را در سرزمین مادری آغاز و در پاریس تکمیل کرد. سپس در سوربن کرسی استادی تاریخ اندیشه اسلامی و مدیریت مؤسسه مطالعات اسلامی و عربی را به دست آورد. او همچنین ویراستاری مجله دانشگاهی فرانسوی Arabica را در سالیان دراز بر عهده داشته است.

آنچه آرکون را از دیگر روشنفکران عرب و مسلمان معاصرش متمایز می‌سازد، مطالعات جدی او در حوزه تاریخ و فرهنگ سده‌های میانه است که وی را شایسته ویراستاری مجله Arabica کرده است. او به عنوان یکی از پژوهشگران پیشتاز در زمینه اندیشه اسلامی در سده‌های میانی، کار خود را با کاوشی پیرامون مسکویه، فیلسوف و اندیشمند قرن چهارم پی‌ریزی کرد؛ دو رساله از مسکویه را ویرایش و تهذیب الاخلاق او را - که رابطه نزدیکی با اخلاق ارسطویی دارد - ترجمه کرد.

آرکون نهضت فکری خویش را با این پیشینه خشک فلسفی که با سنت انتقادی فرانسوی نیز آمیخته بود، بنیان نهاد. قرائت مجدد وی از سنت غنی اسلامی شاهدهی بر وفاداری دوگانه وی به علوم اجتماعی و انسانی مدرن از یک سو و مطالعات سده‌های میانی از سوی دیگر است. آرکون همچنین در گستره‌ای از موضوعات، از ابن طفیل، فیلسوف و فیزیکی‌دان اندلسی، گرفته تا شرق‌شناسی، مطالبی نگاشته است. Lectures du Coran (قرائتی درباره قرآن)، که شاید مهم‌ترین و چالش برانگیزترین اثر وی باشد. به عقیده مؤلف اثر، میان سطوح مختلف مؤلف، متن مقدس مسلمانان که تحت عنوان قرآن با هم در آمیخته‌اند، تمایزات آشکار تحلیلی وجود دارد که به هنگام تعامل با آن باید در نظر گرفته شوند. این تمایزات عبارتند از: کلام خدا که از آن سه دین توحیدی نشأت گرفته و از هم جدا شده‌اند؛ متن مکتوب فعلی قرآن؛ مفسران این متن. این تمایزات، امکان قرائتی بسیار پیچیده‌تر از متون مقدس را فراهم می‌سازد.

نظریات آرکون، از چالش با رهبران روشنفکر جنبش‌های اسلامی معاصر به دور نبوده است. یکی از این مجادلات بین آرکون و شیخ مصری، محمد غزالی، در الجزایر رخ نموده است. تقریباً به همان سرعت که آثار غزالی در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد، آثار آرکون در شمال آفریقا به زبان فرانسه ویرایش شده و به عربی ترجمه می‌شود و در لندن به چاپ می‌رسد. تأثیر آرکون در حوزه روشنفکری مسلمانان عرب معاصر با قوت یافتن جنبش‌های اسلامی، رو به فزونی خواهد گذاشت. آرکون مفهوم اسلامی جهاد با نفس را تلاش یک روشنفکر که حس همبستگی با جامعه خویش دارد، تعریف می‌کند. بدین ترتیب، جهاد با نفس، رسالت فکری آرکون است.



| منطقه جغرافیایی | عنوان | نشانی | توضیح |
|--------------------|--------------------|----------------|--|
| مصر و سوریه | محمد عبده | ج ۱، ص ۱۱-۱۲ | مشکلات القرآن الکریم و تفسیر سورة الفاتحه |
| | محمد رشیدرضا | ج ۳، ص ۴۱۰-۴۱۲ | سلسله نوشته‌های تفسیری او در مجله المنار، اکنون در تفسیری با همین عنوان به چاپ رسیده است. |
| | محمود شلتوت | ج ۴، ص ۴۲-۴۳ | تفسیر القرآن الکریم |
| لبنان | محمد حسین فضل الله | ج ۱، ۴۵۳-۴۵۶ | اوتفسیری کامل بر قرآن با نام من وحی القرآن دارد. |
| ایران | مرتضی مطهری | ج ۳، ۲۱۳-۲۱۴ | سلسله مباحث او در تفسیر سوره‌های قرآن با عنوان آشنایی با قرآن به چاپ رسیده است. |
| | مهدی بازرگان | ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۳ | وی کاری بدیع در زمینه تاریخ قرآن با نام سیر تحول قرآن و تفسیری به نام پا به پای وحی و چندین پژوهش موضوعی درباره قرآن تألیف کرده است. |
| هند و پاکستان | شاه ولی الله | ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۲ | فتح الرحمن فی ترجمه القرآن (۱۷۳۸) اولین ترجمه فارسی قرآن و الفوز الکبیر فی اصول التفسیر (به فارسی) از اوست. |
| | سر سید احمد خان | ج ۱، ص ۵۷-۵۸ | تفسیر قرآن (۱۸۶۲) |
| | ابوالکلام آزاد | ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۵ | ترجمه سوره‌های ۱ تا ۲۳ قرآن (ترجمان القرآن) و تفسیر آیات ابتدایی قرآن |
| | ابوالاعلی مودودی | ج ۱، ص ۷۱-۷۵ | تفسیر تفهیم القرآن (۱۹۴۲-۱۹۷۲)، پرخواننده ترین تفسیر اردو، از اوست. |

منظور رعایت فاصله در آیات درج شده‌اند.

بنت الشاطی علی رغم زندگی فعال خویش، فردی عمیقاً مذهبی و محافظه‌کار است. چنان که در موضوع حقوق زنان او بر اصل قیمومت مردان بر زنان تأکید داشته و معتقد است فهم کامل از حقوق زنان با ارزش‌های سنتی اسلامی تضادی ندارد. وی پیوسته مورد حمایت و احترام مقامات حکومتی مصری بوده است.

گزیده کتاب‌شناسی:

- التفسیر البیانی للقرآن الکریم، ۲ جلد، قاهره ۱۹۶۲-۱۹۶۹. اثر اصلی او که بارها تجدید چاپ شده است.
- علی الجمر: اسطورة الزمان، قاهره ۱۹۶۶. زندگینامه خود نوشت که به تحصیلات مؤلف می‌پردازد که به آشنایی اش با امین خولی انجامید. این زندگینامه در سالمرگ همسرش نوشته شده و در آن زندگی اش را به مثابه مسیری که به این ملاقات منتهی شد تصویر نموده که در نتیجه او مجدداً متولد شد.
- القرآن و التفسیر العصری، قاهره ۱۹۷۰. این کتاب در اعتراض به کتابی درباره «تفسیر مدرن یا علمی» مصطفی محمود نگاشته شده است.
- الاسرائیلیات فی الغزو الفکری، قاهره ۱۹۷۵.

آثاری درباره بنت الشاطی:

- عیسی جی. بولاتا، «تفسیر مدرن قرآن: پژوهشی در روش بنت الشاطی»، جهان اسلام ۶۴ (۱۹۷۴): ۱۰۳-۱۱۳.
- والری جی. هافمن لد، «مجادلاتی درباره تحقیر و تبعیض زنان»، ژورنال بین المللی مطالعات خاورمیانه ۱۹ (۱۹۸۷): ۲۳-۵۰.
- جی. جی. جانسن، «تفسیر قرآن در مصر مدرن»، لیدن ۱۹۷۴.
- فصل ۴، در «تفسیر زبان شناختی» به تفسیر بنت الشاطی می‌پردازد. به نظر مؤلف، این بهترین مثال از تفاسیر معاصر است که روی تحلیل زبانی متمرکز شده‌اند.

محمد احمد خلف الله* (متولد ۱۹۱۶)، متفکر نوگرای مسلمان.

وی در مصر متولد شد. در مدرسه سنتی اسلامی، مدرسه دولتی و سرانجام دارالمعلمین زیر نظر دانشکده هنرهای دانشگاه قاهره درس خواند و در ۱۹۳۹ از آنجا فارغ التحصیل شد. مدرک کارشناسی ارشد خود را در ۱۹۴۲ با پایان نامه‌ای با عنوان «الجدل فی القرآن» گرفت که بعدها با نام محمد والقوی المضادة چاپ شد. در ۱۹۴۷ رساله دکتری اش را درباره قرآن در دانشکده هنرها ارائه کرد که سرو صدای زیادی برپا کرد. و از این رو در ۱۹۴۸ از دانشگاه انصراف داد. این رساله پس از بازنگری در سال

۱۹۵۱ با عنوان الفن القصصی فی القرآن الکریم به چاپ رسید که تا کنون چندین بار تجدید چاپ شده است. در نهایت وی با تألیف رساله‌ای درباره ابوالفرج اصفهانی در ۱۹۵۴ به اخذ درجه دکتری موفق شد. سال‌های زیادی در وزارت فرهنگ با سمت معاونت برنامه‌ریزی کار کرد، وی سر ویراستار مجله البیضة العربیة بود و مقالات و کتب متعددی پیرامون قرآن و اسلام دارد. نیز آثاری درباره اصلاحگران نوگرایی چون عبدالله نعیم و عبدالرحمان الکوکی و آثاری درباره موضوعات اسلامی نظیر القرآن و مشکلات حیاتنا المعاصرة و القرآن و الدولة و الاسلام و العروبة به چاپ رسانده است. نظریات خلف الله در رساله دکتری اش منشأ مناقشات فراوانی شد. زیرا او گفته بود هدف از قصص قرآن اعم از داستان پیامبران و حوادث گذشته، در اختیار نهادن اطلاعات دقیق تاریخی نیست بلکه این قصص داستان‌هایی هنری و ادبی است که دل‌های شتون‌دگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو چنانچه کسی بر اساس ادله عقلانی عمل کند می‌تواند این اخبار را به عنوان تاریخ صرف نپذیرد. این کتاب پس از انتشار، موضوع ردیه‌ها و تکذیبیه‌ها قرار گرفت. در واقع تجربه خلف الله، همچون کار طه حسین (۱۸۸۹-۱۹۷۹) پیش از وی، نشانگر آستانه تحمل جامعه دینی در این گونه مسائل است. خلف الله، در نوشته‌های سیاسی و اجتماعی اش، بر ضرورت تفسیری فراگیر از قرآن تأکید کرده و بر آن است که سوسیالیسم عربی با اسلام سازگاری دارد. به اعتقاد وی دستورات و حدود ثابت تنها می‌تواند توسط متنی کاملاً صریح از قرآن (نص) محقق شود و در مسائل اجتماعی معمولاً مصلحت بر نص قرآن تقدم دارد.

او در آثار خویش همواره در پی آن بوده است تا پیوستگی میان اندیشه‌های خود و نوگرایان پیش از خود چون محمد عبده را با اکثر نویسندگان کلاسیک نشان دهد.

کتاب‌شناسی

- یون یازیک حداد، اسلام معاصر و چالش تاریخ، آلبانی، ۱۹۸۲.
- فصل چهار برداشت مختصر و خوبی از دیدگاه‌های خلف الله درباره قصص قرآن و مجادلات پیرامون آن ارائه کرده است. ژومیه و ویلانت برداشت مفصل تری ارائه کرده‌اند.
- زاک ژومیه، «برخی مواضع کنونی پیرامون تفسیر قرآن در مصر و مناقشات پس از آن (۱۹۴۷-۱۹۵۱)»، نشریه انستیتوی مطالعات ادبیان شرقی در قاهره ۱ (۱۹۵۴): ۳۹-۷۲.
- روتر اود ویلانت، وحی و تاریخ در تفکر مسلمانان متجدد، ویسبادن ۱۹۷۱. نک فصل ۶.

بکشند تا شرایط خویش را بهبود بخشیده و عدالت را محقق سازند. او می‌کوشید میان قرآن و مسائل روز ایرانیان ارتباط برقرار کند و از این رو گفتمانی ایدئولوژیک ابداع کرده بود که گروه‌های مختلف را به خود جذب می‌کرد. هر چند فعالیت‌های طالقانی همواره از سوی علمای سنتی به دیده تردید نگریسته می‌شود؛ به ویژه قرائت تقلیل‌گرا و از قرآن، با نقد ایشان رو به رو بود.

کتابشناسی

- اچ. ای. شهابی، نوگرایی مذهبی و سیاسی ایرانیان: نهضت آزادی ایران در زمان شاه و خمینی، لندن، ۱۹۹۰. مشتمل بر زندگینامه و تحلیل بر نوشته‌های اقتصادی - اجتماعی طالقانی.

- حمید دبّشی، «تفسیر قرآن طالقانی: عناصر یک گفتمان انقلابی»، سرمایه‌داری مدرن و ایدئولوژی اسلامی در ایران، ویرایش سیروس بینا و حمید زنگنه، ص ۸۱-۵۱، لندن، ۱۹۹۲. گفتار و نقدی کلی بر روش‌شناسی و محتوای تفسیر قرآن طالقانی.

- حمید دبّش، الهیات نارضایتی: مبانی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران، نیویورک، ۱۹۹۳. تک: فصل ۴ برای برداشت کاملی از اندیشه طالقانی.

- سید محمود طالقانی، اسلام و مالکیت (ترجمه انگلیسی)، ترجمه احمد جباری و فرهنگ رجایی، لکسینگتون، ۱۹۸۳. نسخه نهایی نگرش طالقانی درباره اشکال مالکیت بر اساس اسلام، چاپ به فارسی ۱۹۶۵.



سید محمد حسین طباطبایی^۳ (۱۹۰۳-۱۹۸۱)،

یکی از برجسته‌ترین مفسران قرآن و فیلسوفان سنتی فارسی‌زبان در قرن بیستم. در تبریز متولد شد. در ۲۰ سالگی برای ادامه تحصیلات در فقه و فلسفه به نجف رفت و در آنجا به اجتهاد رسید و همزمان به عرفان پرداخت و میان اندیشه شیعی و عرفان پیوند برقرار کرد و در ۱۹۳۴ برای تدریس به تبریز بازگشت. پیش از تبعید به تهران و قم، چهره‌ای شناخته شده نبود پس از آن ایام خویش را در قم و چند روزی از ماه، در تهران سپری می‌کرد و زمان خویش را به طور کامل به تدریس و تألیف اختصاص می‌داد.

وی که معلمی بزرگ، شخصیتی روحانی و نویسنده‌ای پرکار بود، آثار زیادی پیرامون قرآن و موضوعات دینی به عربی و فارسی از خود به جای گذاشت که مهم‌ترین آنها تفسیر مفصل المیزان است که به عربی نوشته شده و زیر نظر خودش به فارسی ترجمه شده است. همچنین دو کتاب قرآن



سید محمود طالقانی^۴ (۱۹۱۰-۱۹۷۰)، روحانی

و فعال سیاسی، یکی از ایدئولوگ‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹. طالقانی در خانواده‌ای اهل علم در شهرستان طالقان به دنیا آمد و کودکی خود را در تهران سپری کرد. بعد از تحصیلات طولانی در حوزه‌های علمیه قم و نجف،

در ۱۹۳۹ در تهران ساکن شد. به دلیل مخالفت با یکی از دستورات رضا شاه، سه ماه به زندان افتاد و بدین ترتیب مخالفت وی با دیکتاتوری شاهنشاهی عمق بیشتری یافت. وی که به دلیل دلمشغولی علما به مسائل اعتقادی و بی‌علاقگی ایشان به شرایط اجتماعی - سیاسی کشور، از ایشان ناامید شده بود، به دنبال پناهگاهی در منابع دینی و در رأس آنها قرآن می‌گشت. در ۱۹۳۹ سلسله نشست‌های تفسیر قرآن را سامان داد و در آن کوشید تا مفاهیم عمیق قرآنی را به زبان قابل فهم عوام درآورد. مهم‌ترین دغدغه او پس از کناره‌گیری رضاشاه در ۱۹۴۱، گسترش سریع افکار کمونیستی در میان جوانان بود. چرا که نه سرکوب و نه دین سنتی یارای مقابله در برابر این جریان را داشت و تنها راه حل ارائه یک جایگزین فعال و ایدئولوژیک بود. طالقانی در تفصیل این امر با مهدی بازرگان تشریح مساعی داشت. وی در سال‌های آزادی نسبی سیاسی (۱۹۴۱-۱۹۵۳) به تبلیغ در نقاط دوردست کشورش مشغول بود. در ۱۹۴۷ برنامه‌ای رادیویی داشت که در آن به تحلیل مسائل اجتماعی در پرتو دین می‌پرداخت و در ۱۹۴۸ امام جماعت مسجد هدایت شد. با پایه‌گذاری جبهه ملی، این مسجد کانون پیروان مذهبی مصدق شد و طالقانی اولین حامی نخست‌وزیر ملی‌گرا، مصدق، بود.

وی در ۱۹۶۱ با همکاری مهدی بازرگان نهضت آزادی ایران را پایه‌گذاری کرد و در ۱۹۶۳ بازداشت شد. در دوران دیکتاتوری شاه، طالقانی سال‌های متمادی را در زندان یا تبعید سپری کرد و در اواخر ۱۹۷۸ آزاد شد و در ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ پیش از تصویب نهایی قانون اساسی، از دنیا رفت.

میراث طالقانی به عنوان یک ایدئولوگ، مدعیان ناهمگونی از تندروترین مخالفان انقلاب اسلامی ایران در مجاهدین خلق تا مسلمانان لیبرال در نهضت آزادی دارد. در سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۸ طالقانی سرگرم تألیف تفسیر قرآنی به نام پرتوی از قرآن بود. این کار با آثار تفسیری سنتی تفاوت داشت، چه به زبانی قابل فهم برای عوام نوشته شده بود. او از قرآن، نگاه تکاملی به تاریخ، بدان معنا که جوامع از شرایط بد به شرایط بهتر حرکت می‌کنند، استنباط کرده بود و از اراده آزاد در مقابل «تقدیر و سرنوشت» طرفداری می‌کرد. از این مقدمات طالقانی نتیجه‌گیری می‌کرد که مسلمانان باید سرنوشت خویش را به دست بگیرند و در برابر دشمنان داخلی و خارجی،

مؤسسه را برعهده داشت. وی در بهار ۱۹۶۹، در پی انتقاد از دیدگاه‌های اصلاح‌گراانه‌اش، پاکستان را ترک کرد و به عنوان استاد میهمان در دانشگاه کالیفرنیا مشغول به کار شد. پاییز همان سال، به عنوان استاد اندیشه اسلامی به دانشگاه شیکاگو رفت. در ۱۹۸۶ به دریافت رتبه ممتاز در این دانشگاه موفق شد که تا زمان مرگش در ژوئیه ۱۹۸۸ آن را حفظ کرد.

فضل الرحمان شهرت جهانی خویش را با انتشار فلسفه ابن سینا (۱۹۵۲) کسب کرد که در آن تأثیر فیلسوف و طبیعی دان مسلمان، ابن سینا را بر متاله مسیحی قدیس توماس آکوئیناس نشان داده بود. وی به عنوان کارشناس فلسفه سده‌های میانه، دو کتاب دیگر درباره ابن سینا نگاشت. اما شهرت وی بیشتر به سبب تألیفش در زمینه هرمنوتیک اسلامی (روش‌شناسی اسلامی در تاریخ، ۱۹۶۵) و نیز تألیفی در باب اصلاح نظام آموزشی اسلامی (اسلام و مدرنیته: تغییر سنت عقلانی، ۱۹۸۴) بود.

به باور فضل الرحمان، در میان مسلمانان معاصر، چه محافظه‌کاران که در جهت حفظ موقعیت جانبی سنت دینی تلاش کرده‌اند و چه بنیادگرایان که به تفسیر ادبی قرآن پرداخته‌اند، وجه سکولارها که هرگونه مناسبت میان اسلام و حوزه‌های سیاسی و اقتصادی را نفی می‌کنند، به خطا رفته‌اند. زیرا همه این گروه‌ها در تمایز عناصر اصلی و تجویزی وحی از عناصر صرفاً توصیفی آن که کاملاً به زمان و مکان وحی وابسته‌اند، امانده‌اند. او معتقد است برای ربط دادن اسلام به شرایط خاص امروزی، مسلمانان باید برای فهم روح قرآن، به چیزی فراتر از تفسیر ادبی و سنتی آن بیندیشند. ایشان باید از یک سو دربارهٔ پس‌زمینه‌های هر آیه مطالعه کنند تا گوهر وحی را دریابند و از سوی دیگر باید درک دقیقی از شرایط خاص امروزی خویش داشته باشند تا بتوانند اصول برگرفته از وحی را بر آن تطبیق کنند. به طور خلاصه، وی بر این باور است که آشفتگی جهان اسلام، امروزه ناشی از درک ناکافی از آموزه‌های قرآنی است که خود در رکود آموزش اسلامی ریشه دارد.

از این روفضل الرحمان اهتمام خویش را مصروف تدریس و تألیف در زمینه اصلاح آموزش و احیای تفسیر اسلامی کرد.

فضل الرحمان، گرچه عمیقاً مورد احترام برخی اصلاح‌گران اسلامی نظیر عبدالله نعیم در سودان بود، به دلیل تفسیر بیش از حد لیبرالی خود از قرآن، سنت و فقه کلاسیک از جانب کسانی که بنیادگرا می‌نامید، مورد انتقاد بود. تا جایی که در پاکستان وی را «نابودکنندهٔ حدیث» لقب داده‌اند. چه او اصرار داشت که باید ارزش حدیث در سایهٔ روح کلی قرآن سنجیده شود.

در اسلام و شیعه در اسلام که به انگلیسی نیز ترجمه شده‌اند، از اوست. او آثار متعددی هم در زمینه فلسفه تألیف کرد. در میان آثار طباطبایی، تأثیر گذارترین آنها، المیزان است که در آن از روش تفسیر قرآن به قرآن سود جسته و از توجه دقیق به تفاسیر کلاسیک و معاصر اهل سنت و شیعه غفلت نکرده است.

طباطبایی با آنکه فردی روحانی و چهره‌ای متقی بود، فلسفهٔ اسلامی را علی‌رغم مخالفت بسیاری از علما احیا کرد و شاگردان فراوانی از جمله مرتضی مطهری، سید جلال‌الدین آشتیانی و حسن حسن زاده‌آملی در محضر او پرورش یافتند. گرچه از سیاست دوری می‌جست، برخی نظیر مطهری - که جزء فعالان سیاسی بود - و بسیاری از چهره‌های برجسته انقلاب ایران در ۱۹۷۹، از شاگردان وی محسوب می‌شوند. همچنین شمار زیادی از شاگردان او در تعامل نزدیک با محیط‌های دانشگاهی، اندیشه‌های او را در میان علاقه‌مندان به آموزش‌های غربی و شیفتگان اندیشه‌های اسلامی توسعه دادند.

علامه طباطبایی در قرن حاضر در سراسر جهان اسلام به عنوان اندیشمندی سرشناس و شخصیتی روحانی شناخته شده است.

گزیدهٔ کتاب‌شناسی

- یادنامه علامه طباطبایی، تهران ۱۹۸۳.
- سید محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام (ترجمه انگلیسی)، ترجمه، ویرایش و مقدمه سید حسین نصر، آلبانی ۱۹۷۵. که مشتمل بر زندگی‌نامه و کتاب‌شناسی مؤلف نیز هست.
- همو، قرآن در اسلام: ارتباط و تأثیر آن در زندگی مسلمانان (ترجمه انگلیسی قرآن در اسلام)، لندن ۱۹۸۷.
- همو، مروری بر آموزه‌های اسلامی (ترجمه انگلیسی)، ترجمه آر. کمپبل، نیویورک ۱۹۸۹. که شامل زندگی‌نامه مختصر و خودنوشت مؤلف نیز هست.

فضل الرحمان^۱ (۱۹۱۹-۱۹۸۸)، فیلسوف، استاد و اصلاح‌گر لیبرال و برجسته پاکستانی.

در پاکستان متولد شد و در ۱۹۴۲ لیسانس عربی را از دانشگاه پنجاب در لاهور گرفت و در ۱۹۴۹ دکتری فلسفه اسلامی را از دانشگاه آکسفورد کسب کرد. از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۸ مدرس مطالعات ایرانی و فلسفه اسلامی بود. از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ استادیار مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل بود. در سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ استاد میهمان مؤسسه مرکزی تحقیقات اسلامی پاکستان بوده و از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۸ سرپرستی این



گزیده کتاب‌شناسی

آثار فضل‌الرحمان:

- فلسفه ابن سینا، ویرایش و ترجمه فضل‌الرحمان، لندن ۱۹۵۲.
- روش‌شناسی اسلامی در تاریخ، کراچی ۱۹۶۵.
- انتخاب مکتوبات شیخ احمد سرهندی، ویرایش فضل‌الرحمان، کراچی ۱۹۶۸.

- فلسفه ملاصدرا، آلبانی ۱۹۷۵.

- اسلام، ویرایش دوم، شیکاگو ۱۹۷۹.

- موضوعات اصلی قرآن، مینابولس ۱۹۷۹.

- نبوت در اسلام، ویرایش دوم، شیکاگو ۱۹۷۹.

- اسلام و مدرنیته: تغییر سنت عقلانی، شیکاگو ۱۹۸۴.

آثار درباره فضل‌الرحمان:

- تاماراسون، «روش‌شناسی اسلامی فضل‌الرحمان»، جهان اسلام (۸۱ جولای - اکتبر ۱۹۹۱): ۲۱۲-۲۳۰.

پی‌نوشت‌ها:

1. The *Encyclopaedia of Islam*, 1st ed., 5 Vols, Leiden 1908-1938; new ed., 11 Vols, Leiden 1960-2002.
2. *The Cambridge History of Islam*, Cambridge 1970.
3. John L. Esposito.
4. Albert Hourani.

۵- تمامی مطالب بخش معرفی دایرةالمعارف، از مقدمه آن به قلم جان اسپوزیتو اقتباس شده است.

۶- برای نمونه نگاه کنید به: مقاله «اندیشه جدید اهل سنت» ("Modern Sunni thought")، ج ۴، ص ۱۴۱-۱۴۶.

7. Mahmoud. M. Ayoub,

استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه تمپل؛ وی علاوه بر بخشی از مدخل «قرآن»، مقالات «حسین بن علی» و «ارکان اسلام» را در این دایرةالمعارف تألیف کرده است.

8. Vincent J. Cornell.

استادیار رشته دین در دانشگاه دوک؛ وی علاوه بر بخشی از مدخل «قرآن»، مقالات «عبدالقادر» و «جزیه» و «سلطان» را در این دایرةالمعارف نگاشته است.

9. Mustansir Mir,

دانشیار مطالعات اسلامی در دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی؛ وی علاوه بر مقاله «تفسیر» و بخشی از مدخل «قرآن»، مقالات «عقیده» و

«غزالی» و «ایمان و گناه» را در این دایرةالمعارف نوشته است.

۱۰- باسپاس فراوان از سرکار خانم لیلا هوشنگی که ترجمه‌شان از این مقاله را در اختیار نهادند.

11. Qur'anic Recitation.

12. Fredrick Mathewson Denny,

استاد مطالعات دین در دانشگاه کلرادو؛ وی علاوه بر مقاله قرائت قرآن، بخشی از مقالات مراسم تدفین و اسلام را در این دایرةالمعارف تألیف کرده است. وی همچنین مقالاتی در زمینه قرائت قرآن در نشریات غربی به چاپ رسانده که مشخصات آنها در بخش کتاب‌شناسی همین مقاله آمده است.

۱۳- مؤلف این مقاله فدوه مالتی-داگلاس (Fedwa Malti-Douglas) مدیر مطالعات خاورمیانه و رئیس دپارتمان زبان‌ها و فرهنگ‌های خاورمیانه در دانشگاه ایندیانا است. وی علاوه بر این، مقالاتی شامل بخشی از مقاله «ادبیات عرب» و شرح حال طه حسین را در این دایرةالمعارف نگاشته است.

۱۴- مؤلف این مقاله، والری جی. هافمن لد (Valerie J. Hoffman-Ladd)، دانشیار دین در دانشگاه ایلینویز است. مهم‌ترین تألیفات وی در این دایرةالمعارف، بخشی از مقاله «زنان و اسلام» و شرح حال محی‌الدین ابن عربی است. او همچنین در مقاله‌ای، دیدگاه بنت الشاطی را درباره حقوق اجتماعی زنان مورد تحلیل و بررسی قرار داده که مشخصات آن در بخش کتاب‌شناسی همین مقاله آمده است.

۱۵- ویلیام ای. شپارد (William E. Shepard)، استاد ارشد مطالعات دینی در دانشگاه کانتربری نیوزلند، این مقاله را نگاشته است. به علاوه وی مقالات دیگری چون: «استرالیا» و «نیوزلند» و «نهضت» را در این دایرةالمعارف به رشته تحریر در آورده است.

۱۶- اچ. ای. شهابی (H.E. Chehabi)، دانشجوی دکتری دانشگاه آکسفورد، نگارنده این مقاله است. وی مقاله «نهضت آزادی ایران» را نیز نگاشته و در همین زمینه صاحب تألیفی مستقل است (برای مشخصات کتاب‌شناختی رک: بخش کتاب‌شناسی همین مقاله).

۱۷- نگارنده این مقاله، سید حسین نصر، استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جورج واشنگتن است. مقاله «فلسفه» نیز در این دایرةالمعارف به امضای اوست.

۱۸- تاماراسون (Tamara Sonn) مؤلف این مقاله، مدیر مطالعات بین‌المللی و استادیار ادیان در کالج سنت جان فیشر نیویورک است. مقاله «توحید» نیز به نام اوست. به علاوه، وی پژوهشی پیرامون روش‌شناسی فضل‌الرحمان به انجام رسانده است. (نک: کتاب‌شناسی همین مقاله).